

## بررسی تاریخی و باستان‌شناختی دژ - شهر دربند بدره

دکتر محسن سعادت<sup>۱</sup>

### چکیده

مطالعه تاریخ شهرسازی و شهرنشینی و به تبع آن شهر، در مطالعه تاریخ و تمدن حائز اهمیت است، در اکثر کتب تاریخ و تمدن از همه ابعاد بشر اعم از فرهنگ و آداب و رسوم و مذهب تا ویژگی‌های اقتصادی و تکنیکی و شرایط سیاسی و نظامی حاکم و حتی تک عناصر ساخته بشر، چون آثار بدیع معماری سخن رفته؛ اما کمتر از مهمترین و پایدارترین اثر ساخته شده بشر، یعنی فضاهای زیستی وی سخن به میان آمده است. غرب ایران در دوران تاریخی به جهت شرایط جغرافیایی و اقلیمی و نزدیکی به تیسفون، پایتخت ایران در دوره تاریخی، دارای آثار متعددی مربوط به این دوره است. در پشته‌ها و دره‌های رشته کبیرکوه در غرب ایران و در حدفاصل این رشته و رودخانه سیمره محوطه‌ها و مکان‌های استقرار متعلق به دوران مختلف به‌ویژه دوران تاریخی برجای مانده که شهر تاریخی دربند واقع در شهرستان بدره از جمله این مکان‌های استقراری شهرنشینی است که در این نوشتار مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** دره دربند، کبیرکوه، سیمره، کان صیفی، معماری صخره‌ای، جبال.

<sup>۱</sup> - دانش‌آموخته دکترای باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.

**مقدمه:** شهر نهادی مدنی است که در نقطه‌ای از محیط زیست انسانی شکل می‌گیرد، رشد و توسعه می‌یابد و اجزاء و عناصر کالبدی آن صورت می‌گیرد. یکی از ارکان تأثیرگذار بر ایجاد فرم، توسعه و استمرار حیات یک شهر باورهای مذهبی و ایدئولوژی سازندگان آن می‌باشد، این تأثیر به خصوص پس از ورود اسلام به ایران و تغییر نگرش مردم به حدی شگرف داشت که براساس آن می‌توان تاریخ شهرسازی ایران را به دو دوره کلی شهرسازی پیش از اسلام و دوره اسلامی تفکیک کرد. اگر چه اطلاعات ما از چگونگی شکل‌یابی و ویژگی‌های کالبدی، خصوصیات فضایی، چگونگی عناصر و اجزاء فضاهای شهری، مسکن عامه، نظام محلات و حتی تعداد شهرهای گروه اول به دلیل کمبود پژوهش‌های باستان‌شناسی اندک است. با ورود اسلام به ایران و تغییر باورهای مذهبی مردم که در پی تغییرات سیاسی و زمامداری حاکمانی جدید حادث شد، شهرها نیز دستخوش تحولات شگرفی گشتند. ساکنان شهرها ضمن وفاداری به پاره‌ای از اصول دیرین خود، تعاریف و مفاهیم و شریعت دین جدید را در ساخت، توسعه، مدیریت و تداوم واحدهای مسکونی و محلات شهری اعمال نمودند. استان ایلام در دوران تاریخی به جهت نزدیکی به تیسفون و محل گذر به خوزستان و فارس دارای آثار بیشماری مربوط به این دوره است. از جمله این آثار، شهرهای باستانی آن است. که اکثر باستان‌شناسان این شهرها را به دوران تاریخی نسبت داده‌اند؛ اما در سال‌های اخیر با توجه به کاوش‌هایی که در برخی از شهرها از جمله شهر باستانی صیمره صورت گرفته، انتساب دوره‌ای آن علاوه بر دوران تاریخی، دوران اسلامی را نیز شامل می‌شود (لک‌پور، ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ و فریادیان، ۱۳۸۹). با توجه به بررسی و تحلیل و مقایسه آثار به دست آمده از پژوهش‌های باستان‌شناسی در این شهرهای باستانی شامل معماری، سفال، گچبری و ... می‌توان تا حدودی دارای مکانیزم‌هایی برای گذر این شهرها از

دوران تاریخی به اسلامی را در آن به اثبات رساند. در انجام این پژوهش اهدافی مد نظر قرار گرفته شامل، مشخص نمودن تغییرات احتمالی شهرهای باستانی، در گذر از دوران تاریخی به دوره اسلامی، از طریق معماری، گچبری و سفالهایی که در طی فصول کاوش‌هایی که در این محوطه‌ها انجام شده و همچنین بررسی‌های میدانی صورت گرفته، حاصل می‌گردد. با توجه به موقعیت جغرافیایی استان ایلام که در مسیر راه‌های بازرگانی و انتقال فرهنگ‌های مختلف در جنوب غرب ایران واقع شده است، با بررسی آثار حاصل از این شهرها می‌توان فاکتورهای ارزنده‌ای در شناخت و مطالعه منطقه در این بازه زمانی در اختیار ما قرار دهد. در پژوهش جاری سعی شده است به منظور کسب اطلاع از یک تصور کلی از شهرسازی دوره تاریخی و ویژگی‌های آن و انجام یک تجزیه و تحلیل بنیادی در رابطه با سیر تحول شهرسازی از دوره تاریخی به اسلامی در دربند (درون) به یک نتیجه‌ای جامع دست یافت. البته قبل از مطالعه و بررسی شهر مورد نظر، ابتدا در مورد اوضاع سیاسی اجتماعی منطقه مورد مطالعه در دوران تاریخی و اسلامی بحث خواهد شد. در ادامه کلیاتی در باره روند انتقال و گذر شهرهای دوران تاریخی به خصوص دوران ساسانی به اسلامی اشاره خواهد شد. سپس این شهر از لحاظ بسترهای شکل‌گیری، خصوصیات و فضای کالبدی شهر، بناهای درون شهر، معماری و الحاقات وابسته به معماری، حصار و آثار منقول و غیرمنقول مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در پایان نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی پرداخته شده است.

### تلاش‌های علمی انجام شده

بسیاری از محققین و سیاحان خارجی برخی از این شهرها دیدن کرده‌اند و درباره این شهرها و ویژگی‌های آن‌ها مطالبی را نوشته‌اند، همچنین برخی مورخان نیز در نوشته‌های خود از این مناطق یاد می‌کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به ابن اثیر (۱۳۴۹)، ابن خرداد

به (۱۳۷۰) ابودلف (۱۳۵۴)، بلاذری (۱۳۴۶)، بدلیسی (۱۳۴۶)، حموی (۱۳۸۰)، دینوری (۱۳۶۴) و طبری (۱۳۵۳) اشاره کرد. در زمینه مطالعات توسط باستان‌شناسان انجام گرفته و به صورت نوشتاری نیز ارائه گردیده است.

ژاک دموورگان در سال ۱۸۹۱ میلادی با بازدید از خرابه‌های شهر باستانی صیمره تصور می‌کرد که محل شهر ایلامی ماداکتو را در مجاورت دره شهر باز یافته است. دموورگان در باره مشاهدات خود از صیمره چنین می‌نویسد: «در صیمره من به بقایای عهد هخامنشی برخورد نکردم؛ اما خرابه‌های عصر ساسانی در آن بسیارند ... و در تل شیروان در حدود ارتفاع ۲۰۰۰ متری خرابه‌های شهری از عهد ساسانی را یافته‌ام و در دره شهر خرابه‌های دومین پایتخت ایلام باستان، ماداکتو را باز یافتیم» (دمورگان، ۱۳۳۹: ۶۰). خانم فریا استارک در فاصله سال‌های ۱۹۲۷-۱۹۳۱ میلادی از این منطقه دیدن کرد، وی پس از اتمام مسافرتش کتابی تحت عنوان "سفر به دیار حشاشین" در دو بخش نوشت. وی بهترین گزارش در مورد باستان‌شناسی و تاریخ بدره، که یکی از توابع شهرستان دره شهر بود، ارائه می‌دهد (استارک، ۱۳۶۴). در فاصله سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۳۸ هیئت باستان‌شناسی هلمز به سرپرستی اریک اشمیت، مطالعات گسترده‌ای در لرستان انجام داد. اریک اشمیت در کتاب «پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران» عکس‌های هوایی از موقعیت شهر باستانی صیمره در آن دوران ثبت نموده است.

در سال ۱۳۶۲ شمسی هیئتی از باستان‌شناسان ایرانی به سرپرستی سیف‌الله کامبخش فرد به دره شهر آمد و چند گمانه آزمایشی را در جهت تعیین عرصه و حریم این شهر انجام نمود. هم‌چنین در این مطالعات برخی محوطه‌های باستانی اطراف نیز مورد بررسی قرار گرفت (کامبخش فرد، ۱۳۶۸). در سال ۱۳۸۱ یک بررسی سطحی به سرپرستی عمران گاراژیان با همکاری مدیریت میراث فرهنگی استان ایلام در شهر باستانی شیروان انجام

شد (گاراژیان، ۱۳۸۱). در سال ۱۳۸۵ در طی فصل سوم بررسی و شناسایی شهرستان دره شهر (بخش بدره) توسط سید سجاد حسینی، شهر باستانی دربند مورد بررسی و شناسایی قرار می‌گیرد (حسینی، ۱۳۸۴).

پژوهش‌های اخیر در حوزه‌ی سد صیمره منجر به شناسایی محوطه‌ای با وسعتی نزدیک به ۳۰ هکتار شده که امروزه برزه‌قواله خوانده می‌شود. این محوطه در سال ۱۳۸۹ به وسیله آرش لشگری و کامیار عبدی کاوش نجات بخشی شد (لشگری و عبدی، ۱۳۹۰). در نتیجه کاوش‌ها در محوطه برزه‌قواله یک بنای یادمانی از دوره ساسانی کشف شد. هم‌چنین در زمینه موضوع شهرهای باستانی استان ایلام در یک سری مقالات و پژوهش‌های علمی مطالبی به رشته تحریر درآمده است، از جمله: در مقاله‌ای تحت عنوان معرفی شهر باستانی دربند (درون) توسط بهرام کریمی، کارشناس ارشد تاریخ در فصلنامه فرهنگ ایلام در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده که به توصیف شهر تاریخی دربند از دیدگاه باستان‌شناسی و تاریخی پرداخته است. در سال ۱۳۸۵ خداکرم مظاهری در طی پژوهشی با موضوع جاذبه‌های گردشگری شهرستان دره شهر، مجموعه شهر باستانی دربند به عنوان یک جاذبه تاریخی مورد توصیف قرار گرفت (مظاهری، ۱۳۸۵).

هم‌چنین نگارنده طی پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران با عنوان «ویژگی‌های شهرسازی دوران تاریخی استان ایلام؛ مکانیزم گذر از دوران تاریخی به دوران اسلامی» به مطالعه چهار شهر باستانی و تاریخی استان ایلام (صیمره، سیروان، جولیان و دربند) براساس ویژگی‌های یک شهر طی گذر از دوران تاریخی به اسلامی می‌پردازد.

## جغرافیای طبیعی، تاریخی و سیاسی استان ایلام

استان ایلام با حوضه جغرافیایی و سیاسی فعلی خود با مساحت ۲۰۱۵۰/۲۴۳ کیلومتر مربع حدود ۱/۲ درصد کشور را تشکیل می‌دهد.

این استان که در منطقه‌ای کوهستانی و مرتفع است در غرب و جنوب غرب کشور در میان رشته کوه‌های کبیرکوه از سلسله جبال زاگرس قرار دارد و از شمال به استان کرمانشاه، از جنوب به قسمتی از خوزستان و کشور عراق، از شرق به استان لرستان و از غرب به کشور عراق محدود است. استان ایلام حدود ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد. حدود طبیعی این استان در حدود ۲۲۰ کیلومتر طول و حدود ۱۰۰ کیلومتر عرض دارد. به‌طور کلی ناهمواری‌های این استان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ یکی ناهمواری‌های نیمه شرقی و شمال شرقی که از کوهستان‌های بلند شکل گرفته و دیگری ارتفاعات نیمه غربی و جنوب غربی که شامل نواحی کم ارتفاع بوده و با شیبی ملایم و به سمت غرب استان امتداد دارند (محمودیان، ۱۳۸۷: ۱۶). این استان علی‌رغم مساحت اندک از لحاظ طبیعی و محیط جغرافیایی به دو ناحیه طبیعی متفاوت از یکدیگر به شرح زیر تقسیم می‌شود: این منطقه سراسر شمال، شمال شرقی و شرق استان را فراگرفته است و در امتداد آن به سمت جنوب و جنوب شرقی به تدریج از وسعت و ارتفاع آن کاسته شده و در منتهی‌الیه جنوب شهرستان آبدانان به ناحیه دشتی ایلام منتهی می‌گردد. ارتفاع این ناحیه بیش از ۱۰۰۰ متر می‌باشد (رزم‌آرا، ۱۳۶۸: ۱۳). مهمترین رشته کوه‌های این منطقه به شرح زیر است:

**کبیرکوه:** این ارتفاعات از حوالی جنوب شهر ایلام (گردنه آفتاب) شروع شده و چون دیواره‌ای بلند و نفوذناپذیر در جهت شمال غربی - جنوب شرقی امتداد می‌یابد تا این که در ساحل رودخانه کرخه از ارتفاع آن کاسته شده و به زمین‌های نسبتاً هموار متصل

می گردند. به طور کلی رشته کوه‌های مرتفع و موازی کبیر کوه به طول ۱۶۰ کیلومتر از شمال غربی تا جنوب شرقی این استان را در بر گرفته و قسمتی از مناطق غربی و شمال غربی ایلام را از قسمت‌های دیگر مجزا می نماید. بلندترین ارتفاع این رشته کوه به نام ورزین دارای ۳۰۶۲ متر ارتفاع از سطح دریا می باشد. انشعابات متعددی از کبیر کوه به سمت غرب کشیده شده که به تدریج از ارتفاع آن‌ها کاسته می شود، به طوری که در حدود مرز مشترک با عراق این ارتفاع با سطح زمین یکسان می گردد. ارتفاعات نخجیر، سیاه کوه، کوه سرخ و حمزین از شعبات مهم کبیر کوه محسوب می گردند.

**دینارکوه:** این ارتفاعات بین آبدانان و دهلران واقع شده اند و به موازات ارتفاعات کبیر کوه امتداد دارند. بلندترین نقطه آن ۲۶۰۰ متر ارتفاع دارد. (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

**ب- دشت‌ها:** این ناحیه که غرب و جنوب غرب استان ایلام را در بر می گیرد و در واقع مرز مشترک با کشور عراق را شامل می شود. ارتفاع این ناحیه کمتر از ۵۰۰ متر و از نظر توپوگرافی، اقلیم، خاک و غیره دارای تشابهاتی با جلگه خوزستان و بین‌النهرین است و لذا از این نظر می توان آن را امتداد طبیعی دشت بین‌النهرین به حساب آورد. کمی جمعیت و پراکندگی نقاط روستایی از ویژگی‌های این ناحیه نسبت به ناحیه کوهستانی است (رزم آرا، ۱۳۶۸: ۱۴).

استان ایلام از نظر تقسیمات زمین‌شناسی در بخش زاگرس چین خورده یا بخش خارجی حوضه زاگرس قرار گرفته است. حوضه زاگرس شامل دو واحد زمین‌شناسی جداگانه به نام زاگرس مرتفع (high zagros) یا زاگرس داخلی و زاگرس چین خورده (foloedzagros) یا زاگرس خارجی است.

به طور کلی از نظر زمین شناسی استان ایلام در غرب کشور و در رشته کوه زاگرس قرار گرفته است و از نظر تشکیلات زمین ساختی ایران جزء زون زاگرس چین خورده می باشد. شکل ناهمواری ها عمدتاً به صورت طاق دیس ها و ناودیس های منظم و موازی هستند که در اثر فرسایش شکل کنونی را به خود گرفته اند. کوه های ایلام در اثر تحرکات کوهزایی دوره ترشیاری در نتیجه برخورد دو صفحه ایران مرکزی و صفحه عربستان با جهت شمال غربی - جنوب شرقی به وجود آمد (همان، ۳۶).

**اقلیم:** آب و هوای استان ایلام به دلیل تأثیرپذیری از عوامل گوناگونی چون عرض جغرافیایی (زاویه تابش آفتاب)، ارتفاع، امتداد رشته کوه های زاگرس، فاصله از بیابان های عراق و عربستان و وزش بادهای محلی و ناحیه ای از تنوع زیاد برخوردار است. از نظر شرایط اقلیمی جزو مناطق گرمسیری کشور محسوب می گردد؛ ولی به علت وجود ارتفاعات و اختلاف درجه حرارت، میزان بارندگی در بخش های شمالی، جنوبی و غربی آن زیاد می باشد به طوری که می توان از نظر اقلیمی مناطق سه گانه سردسیری، گرمسیری و معتدل را در این استان به خوبی مشاهده نمود. بادهای شمال غربی که از اقیانوس اطلس حرکت می کند به قدری مرطوب هستند که ضمن عبور از عراق و نواحی غربی ایران رطوبت خود را از دست می دهند و به سبب خشکی فقط به یک جریان هوا تبدیل می شوند که موجب خشک شدن اراضی و معمولاً خسارت و گاهی زیان هایی موسمی و محلی را فراهم می آورند (کیهان، ۱۳۷۹: ۲۷). به طور کلی این مناطق در تابستان خشک و بسیار گرم و در زمستان ملایم و از بارندگی نسبی برخوردار است. رشته کوه های کبیرکوه به خصوص در قسمت های شمالی زیر پوشش جنگل های بلوط قرار گرفته و به علت دریافت نزولات جوی دارای مراتع غنی و پوشش گیاهی از نوع سردسیر است. رشته های دینارکوه که قسمت اعظم منطقه را پوشانده است، دارای



جنگل‌های پراکنده و درخچه‌های بلوط و سایر گیاهان از نوع معتدله گرمسیر است (محمودیان، ۱۳۸۷: ۳۱).

**منابع آب:** استان ایلام از نظر پتانسیل آب‌های زیرزمینی، حدود ۳۰ میلیون متر مکعب است که ۶/۲۵ درصد از کل منابع آبی استان را تشکیل می‌دهد که در حال حاضر ۲۰۰ میلیون متر مکعب آن استحصال می‌شود. از ۴/۵ میلیارد متر مکعب آب‌های سطحی استان حدود ۲۵۰ میلیون متر مکعب آن مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۵: ۱۶). از مهمترین رودخانه‌های استان می‌توان به کنگیر در دشت ایوان، کانی شیخ در بخش چوار، گذارخوش در ارتفاعات غربی ایلام، کنجانچم و گاوی در دشت مهران، چنگوله در دامنه‌های غربی کبیرکوه، رود میمه در بخش زرین‌آباد، دویرج در موسیان، سیاه‌گاو در آبدانان، تلخاب در بولی چوار و رودخانه تاریخی سیمره در شرق استان اشاره کرد. سیمره مهمترین رود منطقه است که در دامنه شمالی کبیرکوه جریان دارد و در واقع مرز طبیعی پیشکوه از پشتکوه محسوب می‌شود. رود سیمره از حوالی کوه الوند در استان همدان سرچشمه می‌گیرد و پس از دریافت شعباتی از ملایر، تویسرکان و نهاوند از بستری کوهستانی و باریک می‌گذرد و با عبور از بیستون به کرمانشاه می‌رسد و در آن‌جا نیز شعبات دیگری از جمله قره‌سو و ماهیدشت به آن می‌ریزد و سپس وارد استان ایلام می‌شود. در استان ایلام در بستری سنگی و عمیق جریان دارد و در پای کبیرکوه به مسیر خود ادامه می‌دهد. این رود شعبات دیگری از استان ایلام و لرستان دریافت می‌کند و به سوی جلگه خوزستان پیش می‌رود. رودخانه کشکان که بخش وسیعی از اراضی لرستان را مشورب می‌کند، در زبان محلی به نام بابا خوارزم، در شهرستان دره‌شهر به سیمره می‌پیوندد. رود سیمره در مسیر خود به طول ۷۵۵ کیلومتر،

از سرچشمه تا خوزستان نام‌های متعددی به خود می‌گیرد. در قسمت علیا به گاماسیاب، در بخش میانی به سیمره و در مسیر انتهای خود در خوزستان به کرخه موسوم است.

### جغرافیای سیاسی

استان ایلام براساس آخرین تقسیمات کشوری دارای ۱۲ شهرستان است. استان ایلام تا سال ۱۳۵۱ هـ.ش به نام پشتکوه شهرت داشت و همواره توسط والیان حکومتی اداره می‌شد. در اوایل دوره قاجاریه این منطقه تحت حکمرانان ایالت‌های کردستان و کرمانشاهان و سرحد عراقین بود و پشتکوه در این دوره سرجمع این ایالت‌ها بوده است. ایلام در تقسیمات کشوری سال ۱۳۱۶ هـ.ش تابع یکی از استان‌های شش‌گانه کشور به نام استان شمال‌غرب بود. در این تقسیمات ایلام یکی از شهرستان‌های تابعه استان محسوب می‌گردید. در دوره رضاشاه این منطقه در قالب یک شهرستان و تابع استان پنجم بود. در سال ۱۳۴۳ هـ.ش فرمانداری کل ایلام و پشتکوه به مرکزیت ایلام تأسیس شد. فرمانداری کل ایلام در سال ۱۳۵۳ هـ.ش به دلایل سیاسی، اداری و موقعیت مرزی خود به استان تبدیل شد.

**شهرنشینی:** زندگی شهری در این استان با توجه به وجود بقایای شهرهای باستانی که از زمان ساسانی و قبل از آن باقی‌مانده است، برمی‌گردد. به علت دوری از مراکز سیاسی کشور و هم‌جواری با نقاط مرزی تا قرن حاضر از رونق چندانی برخوردار نبوده است. پیدایش و گسترش شهرها در استان ایلام مانند پیدایش و گسترش روستاها به عوامل طبیعی مانند آب و خاک و آب و هوا بستگی دارد. البته عوامل سیاسی از جمله سیاست تخته قاپو کردن عشایر (اسکان اجباری)، موقعیت سیاسی، ارتباطی و تاریخی را نیز می‌توان در این مورد دخیل دانست.

## جغرافیای تاریخی

با اطمینان می‌توان گفت که در محدوده جغرافیایی که امروزه استان ایلام خوانده می‌شود و دشت‌ها، کوهپایه‌ها و ارتفاعات زاگرس مرکزی را در بر می‌گیرد، از دوران پیش از تاریخ و به‌طور مشخص از دوره نوسنگی، محل استقرار جوامع انسانی بوده که به استناد آثار و ادوات به‌دست آمده از حفاری تپه علی‌کش و دیگر محوطه‌های دشت دهلران که در سال‌های قبل از انقلاب توسط هیئت آمریکایی به‌دست آمده است، صورت علمی و قطعی یافته است. در این استان محوطه‌های بسیاری از این دوران مورد کاوش قرار گرفته که قضاوت در مورد نحوه استقرار، شیوه‌ی معیشت، ساختن سرپناه و به‌طور کلی انسان پیش از تاریخ را در این منطقه از ایران نسبت به دیگر مناطق را آسان‌تر می‌کند. بدین ترتیب، پیش از آن که سپیده دم شهرنشینی و تمدن و خط و ادبیات آغاز شود در این منطقه از ایران انسان به‌گردآوری خوراکی و کشاورزی مشغول بوده است. استان ایلام کنونی بخشی از سرزمین امپراتوری ایلام باستان بوده است. ایلام یا ایلامتو که یونانی‌ها آن را الیمائیس می‌خواندند، به معنی جبال است. ابتدا ایلام نامی برای نواحی کوهستانی کشور ایلام بود. هم‌چنین نقش برجسته دوره آشوری در گُل‌گُل ملکشاهی، گواه بر پیروزی آشوری‌ها بر کاسی‌ها در این منطقه وجود دارد (بهرامی، ۱۳۸۱: ۳۲). در ارتباط با حاکمیت هخامنشیان بر این منطقه اطلاعی در دست نیست. در زمان حاکمیت هخامنشیان، شوش با یک جاده شاهی که از ولایت مهرجان قذق می‌گذشته با این منطقه در ارتباط بوده است. دینوری از تسلط اشکانیان بر ایالت جبال خبر می‌دهد و می‌گوید همدان، ماسبدان، مهرجان قذق و حلوان در دست اشه یسر اشکان بوده است. در دوره ساسانی ایلام کنونی جزء سرزمین پهل (پهل) بود که بعدها اعراب آن را جبال نامیدند، البته سرزمین پهل نواحی ری، همدان، اصفهان، دینور، نهاوند و قزوین را نیز

شامل می‌شد (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۴۲). در زمان یزدگرد سوم آخرین شاه ساسانی، مناطق ایلام، خوزستان و لرستان توسط یکی از حکام هفتگانه پارسی به نام هرمزان مهرجان قذق اداره می‌شد. در زمان حمله اعراب به سرزمین‌های ایران هرمزان مرکز حکومت خود را در صیمره قرار داد و با ساختن دژی مستحکم در این منطقه، خود را برای مقابله با سپاه اسلام آماده می‌کرد (بلاذری، ۱۳۶۴: ۶۲). در فتوح البلدان بلاذری آمده است که: «گویند ابوموسی به هنگام بازگشت از نهاوند به همراه سپاهی که از بصره به مدد نعمان بن مقرن فرستاده شده بود به این شهر آمد، سپس به دینور شد و... ابوموسی پس از فتح دینور به ماسبذان شد، اهل آنجا با وی جنگ نکردند و با همان شروط صلح دینور صلح خواستند و جزیه و خراج پرداختند و... پس از آن ابوموسی داماد خویش سائب بن اقرع ثقفی را به صیمره پایتخت ایالت مهرجان قذق فرستاد» (البلاذری، ۱۳۴۶: ۶۷). بعضی‌ها نوشته‌اند که فتح ماسبذان بعد از واقعه نهاوند در سال ۲۱ هجری روی داده است» (ابن اثیر، ۱۳۴۹: ۲۱۷).

در تاریخ طبری آمده است که در سال ۱۶ هجری در زمان خلافت عمر به فرمان سعد بن ابی وقاص مأمور فتح ماسبذان شد، ماسبذان به جنگ گشوده شد و مردش به سوی کوهستان گریختند و آن‌ها را بخواندند که باز آمدند و شرایط را پذیرفتند و ماسبذان یکی از مرزهای کوفه شد و هم در این سال در ماه رجب جنگ قرقیسا رخ داد (طبری، ۱۳۵۳: ۱۸۴). در زمان هارون الرشید ولایت جبال و برخی نواحی دیگر به فضل بن یحیی سپرده شد (طبری، ۱۳۵۳: ۵۲۴۰). پس از قدرت گرفتن آل بویه مناطق صیمره و شیروان تحت سلطه آنان درآمد. در اواسط سده چهارم هـ.ق. حسنویه پسر حسین گُرد که از شیعیان بود، بر شمال لرستان و قسمتی از مرکز آن دست یافت، وی قدرت خود را مدیون الطاف رکن‌الدین دیلمی بود. پس از وی پسرش جانشین وی شد و پس از مرگ وی

افراد دیگری از خاندانش به حکومت رسیدند (بدلیسی، ۱۳۶۴: ۴۰). خاندان حسنویه در این زمان خدمات بسیاری به منطقه جبال کردند.

در سال ۴۲۲ هـ.ق. از طرف مسعود غزنوی تاش فراش حاکم جبال شد. از امرای این دوره می‌توان به بنی عیاره برسقیان اشاره کرد که خاندان وی به مدت یک قرن بر قسمت‌های شمالی لرستان حکومت کردند. در دوره سلجوقیان بود که لرستان به دو بخش لر بزرگ و کوچک تقسیم شد. در دوره استیلای مغولان لر بزرگ و کوچک امرای نیمه مستقل داشتند (دینوری، ۱۳۶۴: ۱۴۸). در سال ۱۰۰۶ هـ.ق. بر اثر نافرمانی شاهرودی (آخرین حاکم سلسله آل خورشیدی) شاه عباس به این منطقه لشکر کشید و سلسله اتابکان لر کوچک یا خورشیدی را منقرض کرد و سلسله والیان را در این منطقه بنیان‌گذاری کرد. از این تاریخ به بعد یک والی برای کل لرستان (پشتکوه و پشتکوه) انتخاب شد، این روند تا زمان آقا محمدخان ادامه داشت (رشید یاسمی، ۱۳۷۸: ۶۸). پشتکوه تا سال ۱۳۰۷ شمسی تحت اداره والیان بود، تا این که زمان رضاخان پهلوی، غلامرضاخان ابوقداره آخرین والی پشتکوه، به عراق پناهنده شد و در همان جا هم درگذشت. در یک تقسیم‌بندی در سال ۱۳۳۹ شمسی ایلام جزء استان کرمانشاه شد؛ اما به موجب مصوبه مورخ ۲۱ در ماه ۱۳۴۳ شمسی ایلام با بخش‌های تابع موسیان، بدره، مهران و دهلران از کرمانشاه جدا شد و دارای فرمانداری کل ایلام و لرستان پشتکوه به مرکزیت ایلام تبدیل شد (مرادی مقدم، ۱۳۸۵: ۷۹).

### شهرهای دوران تاریخی، گذر به دوران اسلامی

ایران از جمله سرزمین‌هایی است که به لحاظ دیرینه‌شناسی اولین طلیعه حیات انسانی و امکان استقرار بشری را در اقلیم پهناور خود به ودیعه دارد. تحقیقات و کشفیات علمی، حضور انسان را با شرایط فیزیکی و جسمی موجود، به دوران پیش از تاریخ می‌رساند.

که نشان از وجود استقرار در آن سال‌ها در این سرزمین را دارد. اقوام آریایی مستقر در جبال زاگرس و در دشت‌های مرتفع آن با تشکیل دولت ماد اولین اقوامی هستند که گذر تاریخی خود را از مرحله جوامع ساده روستایی، ایلی به جامعه شهری به انجام می‌رسانند. در این میان از نمونه شهرهای دارای سازمان فضایی و تبلور کالبدی چنین گذری ایجاد اولین «شهر- قدرت» در فلات ایران است، می‌توان از هگمتانه نام برد. در واقع آن‌چه که در دوران ماد رخ می‌دهد، نه شهرنشینی و نه یک‌جانشینی است، چون یک‌جانشینی قبلاً رخ داده است و گواه بر آن موجودیت جامعه روستایی است و این که شهر نه به عنوان تشکیل یک جامعه کاملاً مشخص بلکه مکان جمع شدن سه جامعه روستایی، ایلی و شهری است. در این روزگاران هنوز مردمان را به درون «شهر- معبد» و «شهر- قدرت» راه نمی‌دادند: «دیاکو بنیانگذار سلسله ماد بعد از رسیدن به قدرت و ساختن هگمتانه در میان دیوارهای آن به دور از چشم بیگانگان و مردم خویش می‌زیست» (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۱۴۶).

شهر مادی در این مرحله، عبارت است از قلعه‌ای محکم و قوی بر فراز تپه یا نقطه سوق‌الجیشی خاص که در دامنه و در پس دیوارهایش نقاط زیستی کوچک و بزرگ پراکنده‌اند. شهر مادی بیش از هر چیز تبلور قدرت متمرکز و ورای طبقات است. در این شهر، مفهوم بازار هنوز در مرحله جنینی قرار دارد و بافت و ساخت کالبدی آن مراحل آغازین خود را می‌گذراند و آن‌چه که مورد برنامه‌ریزی و طراحی دقیق قرار می‌گیرد، قلعه و تقسیمات داخلی آن است. قلعه، مرکز واقعی مدیریت و سازمان‌دهی منطقه وسیع تحت نفوذ خویش است، منطقه‌ای که هر سه جامعه ایلی، روستایی و شهری در آن مقام گرفته‌اند (حبیبی، ۱۳۷۵: ۲).

## شهر و شهرنشینی در دوران هخامنشی

گسترده‌گی وسیع سرزمین‌های تابع دولت هخامنشی به تشکیل اولین امپراتوری قدرتمند آن روزگاران در شرق نزدیک منجر می‌شود. ایجاد جاده‌های نظامی سوق‌الجیشی و در عین حال بازرگانی - تجاری از اولین اقداماتی است که دولت هخامنشی برای ارتباط نقاط مهم سرزمین‌های تابعه و مفتوحه انجام می‌دهد. فتح بابل، دولت هخامنشی را در مقابل مجموعه‌ای از دولت شهرهای پر رونق بین‌النهرین قرار می‌دهد، دولت شهرهایی که بازرگانی، تجارت و تولید صنعتی در آن‌ها جایی حیاتی را اشغال کرده است. ایجاد جاده شاهی از «شوش» به «افسوس» در کنار مدیترانه به طول ۴۰۰ کیلومتر در مسیر دجله و فرات حرکتی است برای در ارتباط سریع قرار دادن شهرهای بازرگانی - کشاورزی بین‌النهرین با «شهر - قدرت» مرکزی و دیگر نقاط و شهرهای کشور است (گریشمن، ۱۳۵۵: ۱۵۶). نتیجه چنین تحولی قوام یافتن و معنا گرفتن جامعه شهری به معنای اخص کلمه است. این جامعه که در دولت ماد هنوز در مقابل دو جامعه ایلی و روستایی کم رنگ می‌نمود در دولت پارس، نقشی قوی را بازی می‌کند. شهر پارسی مسئول مستقیم امنیت منطقه تحت نفوذ خویش است، همان‌گونه که مسئول جمع‌آوری مالیات و در مواقع لزوم سرباز و نیروی نظامی منطقه خویش نیز می‌باشد (حیبی، ۱۳۷۵: ۱۰-۱۲).

شهر - معبد، شهر - قدرت و شهر - بازار، مفاهیمی هستند که شهر پارسی با خود حمل می‌کند و با استقرار در نقاط سوق‌الجیشی بسیار با اهمیت به مقوله زیست محیطی نیز جواب می‌دهد. پارسیان شهرهای محل اقامت خود را از روی نقشه‌ای بنا می‌کردند که توسط موبدان مقدس شده بود و سنت‌های اجدادی به آن‌ها آموخته بود و از آن نقشه به هیچ وجه تجاوز نمی‌کردند (همان، ۱۳).

چهره کالبدی و ساخت فضایی شهر پاریسی از دیدگاه ریخت‌شناسی شهری از فضاهای زیر ترکیب شده است:

**دژ حکومتی:** مجموعه‌ای مرکب از کاخ‌ها، معابد، دیوان‌ها، تأسیسات نظامی و اداری، ذخائر و انبارهای آذوقه. این دژ با اهمیت‌ترین نقطه سوق‌الجیشی شهر قرار گرفته و با دیوارهای سنگین محافظت می‌گردد، که در صورت نبود عوارض طبیعی، صفت‌های مصنوعی برای استقرار چنین دژی بر پا می‌گردد. دژ، مظهر دولت پاریسی، مظهر قدرت و مظهر یگانگی است.

**شار میانی:** مجموعه‌ای مرکب از محلات خاص برای استقرار طبقات ممتاز با خانه‌هایی کم و بیش مشابه، بازاری در میان و همه محصور در دیواری سنگین با دروازه‌هایی برای ورود و خروج به شار میانی.

**شار بیرونی:** مجموعه‌ای است از محلات و خانه‌ها، بازارها، باغات و مزارع پراکنده در سطحی وسیع. این مجموعه معمولاً به وسیله حصارهای طبیعی، کوه، تپه، رودخانه، جنگل و ... از فضای بیرون از خود جدا می‌گشته است. شار بیرونی محل استقرار اکثریت جامعه شهری آن روزگاران بوده است که به علت در دسترس نبودن اطلاعات دقیق نمی‌توان حکمی قطعی از چگونگی سکنی‌گزینی و سازمان فضایی این جامعه به دست داد (همان، ۱۴).

### شهر و شهرنشینی در دوران اشکانی

جامعه ایلی همراه با جامعه روستایی و بخشی از جامعه روستایی و بخشی از جامعه شهری موفق می‌گردند تا دولت اشکانی را بر پهنه وسیعی از ایران مستقر سازند. این دولت با رجوع به سازماندهی دولت هخامنشی به سرعت سازمان عشیره‌ای و دودمانی خود را دگرگون کرده و به آن شکلی کاملاً دولتی می‌بخشد. این دولت با بهره‌گیری از تجربه



دولت سلوکی موفق می‌گردد تا برای اولین و آخرین بار در تاریخ ایران نوعی دولت مرکزی مبتنی بر تفاهم دودمان‌های متشکله را شکل بخشد. این دولت تنها دولت متمرکز و در عین حال غیرمتمرکزی است که در سراسر خطه ایران آن روزگار شکل می‌گیرد. هماهنگی سه جامعه تحت سلطه این دولت سبب می‌گردد تا دولت قدرتمند اشکانی نزدیک به شش قرن اقتدار خود را بر سرزمین بگستراند، بازرگانی را رونق بخشد، روابط کالایی و پولی را ارتقا بخشد و از آن راه به شهرنشینی و شهرگرایی شتاب و رونق دهد (حبیبی، ۱۳۷۵: ۲۱). شهر پارتی در دولت اشکانی، مرکز اصلی حیات سیاسی این دولت است. شهر، مکان اصلی تصمیم‌گیری‌های دولت و مشورت ارکان دودمانی است. جمع‌بندی افکار عمومی در شهر در بسیاری موارد منجر به تصمیم‌گیری بسیار مهم می‌شود. شهر می‌تواند در مورد سرنوشت شاه، به منزله مظهر دولت نیز اتخاذ تصمیم کند (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۱۳۶).

میراث فرهنگی اشکانیان به علت حوزه اقتدارشان، از شرق به دره هند و از طرف غرب به بین‌النهرین می‌رسد و دربرگیرنده منطقه وسیعی است که شناسایی و بررسی دقیق آن مستلزم زمان و امکانات بسیاری است. شهرهایی نظیر نسا و مرو که در واقع در هنگام اقتدار حکمرانان این سلسله بنیان‌گذاری و یا بازسازی شده بود، مورد شناسایی قرار گرفت. در حوزه غربی تسلط اشکانیان، شهرهایی معروفی چون هترا، آشور، دورا اروپوس و تیسفون نیز مورد کاوش و بررسی قرار گرفته است (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۰۵).

همان طوری که می‌دانیم اشک اول شهری بنا نهاد که آساک نامیده شد. در آساک مؤسس سلسله اشکانی تاجگذاری نمود و قدرت خود را استوار ساخت. طبق نوشته مورخین، تیرداد حکمران دیگر اشکانی شهر دیگری ایجاد کرد که «دارا» یا به قول یونانی‌ها «داریوم» نام گرفت. شهر دارا در منطقه بسیار حاصلخیزی که چشمه‌سارها و

آب‌های فراوان در جریان بوده و به وسیله کوه‌های اطراف محاصره شده بود، قرار گرفته و از نظر نظامی به گونه‌ای بود که تسخیر آن امکان‌پذیر نبود (همان، ۱۰۶).  
 از دیگر شهرهای ناحیه هیرکانیا باید از شهر معروف بدون حصار تبرکس نام برد که طبق نوشته پلیبیوس<sup>۲</sup> مورخ یونانی، شاهان پارتی عادت داشتند که زمانی از تابستان خود را آن‌جا بگذرانند (Polybius, XI, VIII, ۲).

با توسعه قدرت اشکانیان، شهرهای این دوران به علل گوناگون چون وسعت و به دلایل اقتصادی، سیاسی و نظامی نیاز امپراتوری قدرتمند پارت را از نظر شهرنشینی برآورد نکرده و شاهان بعدی اشکانی با توجه به این دلایل درصدد ایجاد شهرهای بزرگتر برآمدند و به این ترتیب شهر معروف صدروازه را به پایتختی انتخاب کردند، این شهر در حدود قرن دوم ق.م از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۰۷).

فعالیت شهرسازی به هنگام حکمرانی مهرداد اول و مهرداد دوم به حد اعلا و ترقی رسید و در همین زمان است که معروفترین دیوار دفاعی جهان در منطقه هیرکانیا ساخته شد و علاوه بر شهرهای نامبرده قلاع و دژهای متعدد نظامی نیز با نقشه‌های متنوع احداث شد (Hansman, ۱۹۶۸: ۱۲۵). سازمان‌دهی کالبدی- فضایی درون شهر پارتی کم و بیش

همانی است که در شهر پارسی وجود داشته بدین معنی که:

**دژ حکومتی:** مظهر دولت اشکانی و نشانه مهم «شهر- قدرت» پارتی، مرکب از کاخ‌ها، معابد، دیوان‌ها، تأسیسات نظامی، اداری و خزائن و انبارهای آذوقه و اسلحه است. دژ مظهر وحدت، یگانگی و تفاهم اجتماعی نیز می‌باشد و مانند همیشه مهمترین نقطه سوق‌الجیشی را به خود اختصاص می‌دهد.

<sup>۲</sup> -Polybius

**شار هیانی:** مجموعه‌ای مرکب از محلات متفاوت، بازار و میدان با خانه‌هایی با معماری خاص است. دو اتاق در طرفین، یک اتاق کوچک در میان با ایوانی سرپوشیده در مقابل آن که دسترسی به سه فضا از آن صورت می‌گیرد و همه در حصاری گرد محصور گشته‌اند.

**شار بیرونی:** مجموعه‌ای گسترده مرکب از محلات، بازار، باغ و مزرعه، کوه و جنگل و رودخانه و ...؛ شار بیرونی شهر پارتی چون شار بیرونی شهر پارسی محل استقرار سه جامعه ایلی، روستایی و شهری است که در کنار شار میانی مقام گرفته‌اند (حبیبی، ۱۳۷۵: ۲۶).

### شهر و شهرنشینی در دوران ساسانی

دولت ساسانی وارث پهنه گسترده سرزمین‌های دولت اشکانی، نه تنها به بازسازی و نظریه پردازی در سازمان اجتماعی-اقتصادی جامعه تحت نفوذ خویش می‌پردازد، بلکه مشروعیت خویش به عنوان حافظ و نگهبان سازمان اندیشه‌ای و فرهنگی جامعه را نیز نظریه پردازی می‌کند. ظهور دولت ساسانی در واقع اولین حرکت جامعه شهری برای رسیدن به قدرت است. دولت ساسانی با تسلط بر تمامی روابط مادی و معنوی جامعه موفق می‌گردد تا دگرگونی‌های گسترده‌ای را در روابط تولیدی و شیوه‌های مالکیت بر منابع تولید ایجاد کند (حبیبی، ۱۳۷۵: ۲۶).

شهر ساسانی مانند شهر پارسی در دولت هخامنشی، بر مبنای باورهای دینی و متأثر از مقوله جهان بینی ساخته می‌شود. شهر معمولاً به حصاری ختم می‌گردد که چهار دروازه به چهار سوی عالم داشته باشد که خود یادآور جهات اربعه و عناصر اربعه نیز می‌باشد. چهره کالبدی شهر پارتی در دولت ساسانی، کم و بیش توسط تاریخ نگاران دوران اولیه اسلامی ترسیم شده است. بافت کالبدی و سازمان فضایی این شهر، الگوئی بود که در

شهرهای دوران اولیه اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفت. شهرهای ایرانی عهد ساسانی به ویژه شهرهایی که در دوران قباد ساخته شد با شهرهای ایرانی دوره اسلامی بسیار شبیه‌اند، در این شهرها کهن دژی با باروهای کنگره‌دار، بخش نظامی شهر را تشکیل می‌داد (اشرف، ۱۳۵۳: ۸۹). شهرهای دوره ساسانی از دیدگاه ریخت‌شناسی، مرکب از فضاهای زیر است:

**دژ حکومتی:** مجموعه‌ای است مرکب از کاخ‌ها، آتشگاه اصلی، دیوان‌ها، سربازخانه‌ها، ذخائر، خزائن و انبارهای آذوقه. این دژ در بالاترین نقطه شهر و مهم‌ترین نقطه سوق‌الجیشی ساخته شده و با دیوارهای سنگین محافظت می‌گردد. دژ حکومتی، مظهر قدرت دولت ساسانی است.

**شار میانی:** مجموعه‌ای مرکب از محلات خاص برای استقرار طبقات ممتاز است. نزدیک بودن طبقات اجتماعی به یکدیگر سبب می‌گردد تا شباهت بسیاری بین خانه ساکن در شار میانی و کاخ‌ها به وجود آید.

**شار بیرونی:** مجموعه‌ای مرکب از محلات، خانه‌ها، بازارها، باغات و مزارع پراکنده در اطراف شار میانی است، آتشکده‌ها و بازار اصلی را می‌توان در این بخش از شهر جستجو کرد. شار بیرونی محل استقرار کلیه مردمانی است که در چهار طبقه ممتاز اجتماعی قرار نگرفته و بنابراین در دولت ساسانی نقشی ندارند. این بخش در فروپاشی دولت ساسانی به هنگام هجوم اعراب نقش اساسی باز کرده و در دوران بعد از اسلام به روض مشهور می‌گردد.

**بازار:** مرکزیت حکومت در دولت ساسانی، حضور همه‌جانبه دولت در بازرگانی، صنعت و حرف، نقش ایران آن روزگار در بازرگانی بین‌المللی، روابط بازرگانی با چین، هند، حبشه، حجاز، روم شرقی و ... همه و همه در اقتصاد شهری در دولت ساسانی نقش

مؤثری داشتند. بازار به عنوان ستون فقرات شهر از قلب شار میانی شروع می‌گردد و دامنه خود را به شار بیرونی (ربض) می‌گستراند و در مسیر خود محلات را شکل می‌دهد. بازار قلب شهر می‌گردد و کالاها و مصنوعات گوناگون از همه جا به آن حمل می‌گردد. **میدان:** گستره‌ای وسیع در جلوی دروازه‌های شارستان و در ربض ساخته می‌شوند. این میدان نه چون «آگورای» یونانی محل تظاهر داد و ستد اقتصادی است و نه چون «فورم» رمی نظهر قدرت حکومت است. میدان مکانی است که بازارها بدان باز می‌شود. (حبیبی، ۱۳۷۵: ۳۴-۳۳).

**نقش مذهب و باورهای دینی:** عامل مذهب در پیدایش و شکل بخشیدن به شهرها از دیرباز نزد تمامی اقوام و ملت‌های جهان مورد توجه بوده است. پایه‌گذار شهر در کنار چشمه‌ها، دامنه کوه قدس و یا محل شهادت یا درگذشت یک شخصیت مذهبی و بالاخره تأثیر پدیده باورهای مردم در شکل بخشیدن به شهر عامل مهمی بود. که نمی‌توان و نباید در بررسی و شکل‌گیری بافت شهرها، به ویژه در دوران باستان آن را نادیده گرفت، زیرا بنیان‌گذاری عمده شهرهای کهن به اعتباری امری مقدس، در پیوند با آیین مورد قبول جامعه بوده و از اصول پذیرفته شده آیین و باورهای جامعه پیروی کرده است (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۸-۹). در دوره ساسانی نیز مهمتر از عوامل سیاسی - نظامی و تجاری، عامل آیین و اندیشه مرسوم در آن دوران است که مهمترین عامل ایجاد شهرها و آبادی‌ها به شمار می‌رود. در این دوره برخلاف دوره‌های هخامنشیان و پارتیان، تعصبات مذهبی توسط موبدان در دستگاه حاکم به بالاترین حد خود رسید، تعداد زیادی آتشکده ساخته شد، شهرها و مراکز مذهبی با سرمایه‌گذاری پادشاهان و زیر نظر موبدان ساخته شد. حداقل ۳ شهری که ۳ آتشکده بزرگ، آذرگشنسب در شیز،

آذرفرنبغ در کاریان فارس، آذر برزین مهر در ریوند نیشابور در آن قرار داشتند، از شهرها و مراکز مهم مذهبی بوده‌اند (سلطانزاده، ۱۳۶۷: ۵۳).

**عامل دفاعی - نظامی:** موقعیت جغرافیایی ایران یعنی واقع بودن در منطقه‌ای حد فاصل آسیای میانه، هند، بین‌النهرین و آسیای صغیر همواره این سرزمین را در معرض حمله‌ها و تهاجم ملل و اقوام مجاور قرار داده است. در زمان ساسانی نیز پادشاهان این سلسله برای دفاع از مزرهای ایران در برابر هجوم بیگانگان مخصوصاً اقوام وحشی شمال و شمال شرقی و رومی‌ها در غرب اقدام به ساختن شهرهای تدافعی مرزی کردند (همان، ۴۵). چنان‌که شاپور اول پس از لشکرکشی به سوی توران و شکست "پهله چک تور" پادشاه تورانیان دستور داد تا در محل درگیری که خراسان بود شهری بنا شود. وی نام این شهر را "نیو - شاپور" نامید که اکنون نیشابور نامیده می‌شود (کریستین سن، ۱۳۷۹: ۱۲۳). از جمله شهرهای مربوط به این عامل را می‌توان از شهرستان یزدگرد، رام‌فیروز، روشن پیروز، شهرام پیروز و فیروزآباد نام برد (سلطانزاده، ۱۳۶۷: ۴۵).

**عامل سیاسی - اداری:** احداث عموم شهرها یعنی محل استقرار ارکان دولتی و نهادهای اداری و سیاسی توسط پادشاهان و برخی امراء و حکام محلی صورت می‌گرفته است و مهمترین نقش و کارکرد این شهرها همین جنبه سیاسی و اداری بودن آنهاست. روند احداث شهر توسط پادشاهان ساسانی همواره از آهنگ ثابت و یکنواختی پیروی نمی‌کرد و فراز و نشیب‌های بسیار داشته است، در دوره‌هایی که پادشاهان قدرتمند بر کشور حاکم می‌شدند، تعداد زیادی شهر احداث می‌کردند؛ اما در مواقعی که پادشاهان ضعیف بر تخت سلطنت جلوس می‌کردند بیشتر کارها در جهت رفع منافع خود به کار می‌رفت. برای مثال پس از شاپور دوم که تعدادی از پادشاهان به سلطنت رسیدند تا زمان قباد دوم، روند مزبور سیر نزولی پیدا کرد. سپس در دوره قباد و انوشیروان که ایران از

نظر سیاسی دوباره قدرت گرفت و قدرت اشراف و زمین داران بزرگ دوباره کاهش یافت، روند ایجاد شهرها دوباره ادامه یافت (همان، ۴۹).

**گسترش تجارت و بازرگانی:** گسترش تجارت و بازرگانی در دوره ساسانیان یکی از عوامل مهم دیگر ایجاد شهرها و گسترش آنها در دوره ساسانی بود. منظور از شهرهای بازرگانی - تولیدی در پیش از اسلام شهرهایی هستند که بخش مهمی از نیروی کار در آنها صرف تولید و تجارت و صنایع دستی شده است. تجارت در زمان ساسانیان رونق و اهمیت خاصی به خود می‌گیرد. با رشد کشاورزی و صدور محصولات مازاد بر مصرف به خارج از ایران با عنایت و توجه به پیشه‌وری و تولید، وجود جاده‌ها و تجهیزات لازم و ضروری در آن برای کاروانیان، موقعیت جغرافیایی سرزمین ایران و عبور کاروان‌ها از شرق به غرب و سرانجام وجود یک قدرت نیرومند مرکزی که بتواند امنیت و ثبات را جایگزین ناامنی و اغتشاش نماید، تجارت نیز به تبع این عوامل رشد و بالندگی خود را آغاز می‌کند. موقعیت جغرافیایی سرزمین ایران ایجاب می‌کرد که کاروان‌ها به ناچار از آن بگذرند و کمبود راه‌های بحری در آن زمان اهمیت این امر را بیشتر نمود و ایران توانست از این طریق سودی سرشار را نصیب خود سازد (همان، ۵۵).

برای مثال ری شهر در زمان ساسانیان ناحیه‌ای به شمار می‌رفت که فرآورده‌های کشاورزی آن قابل توجه نبود و فقط امور بازرگانی می‌توانست گسترش آن را باعث شود. این شهر به عنوان مرکز تجارت مرواریدهای ظریف شناخته شده بود و در همان زمان نیز برای تجارت بین سواحل خلیج فارس از آن استفاده می‌شد (ویلیامسون، ۱۴۳:۱۳۵۱).

**اسکان اسرا:** یکی دیگر از عوامل مؤثر در ایجاد و گسترش شهرهای دوره ساسانی اسکان اسرای جنگی در نقاط مختلف کشور بود. دولت ساسانی در جنگ‌های ایران و روم

اسرای جنگی را در نواحی دوردست کشور اسکان می‌داد و در لشگرکشی‌های خود گاهی تمام سکنه یک شهر یا یک ناحیه را کوچ داده و در یکی از نقاط داخلی کشور مستقر می‌نمود و به همین مناسبت شهرهایی بنا گردید. چنان‌که شاپور اول شاه ساسانی نیز اسیران رومی را در گندی شاپور سکونت داد و از مهارت رومیان در کار مهندسی استفاده کرد، بند معروف قیصر را بنا نمود (سلطانزاده، ۱۳۶۷: ۴۰).

بنابراین می‌بینیم که هر یک از عوامل مذهب و باورهای دینی، تجارت و بازرگانی، سیاست و حکومت و عامل نظامی و دفاعی در نواحی مرزی کشور در پیدایش شهرها نقش به‌سزایی داشتند، ضمن آن‌که باید به این عوامل، مناسب بودن موقعیت طبیعی محلی که شهر در آن‌جا شکل می‌گیرد، نیز اضافه کنیم.

### شهر و شهرنشینی در دوران اسلامی

اصطلاح شهر اسلامی: علیرغم طیف وسیعی از تعاریف و تفاسیر که درباره اصطلاح «شهر اسلامی» وجود دارد ولی هنوز تعریف کامل و جامعی از شهر اسلامی و خصوصیات آن ارائه نشده است. این‌که شهر اسلامی چیست و چه خصوصیتی دارد در آموزه‌های اسلامی، محل بحث گسترده‌ای است که نیازمند تعمق وسیع در منابع ارائه‌کننده این آموزه‌هاست (نقی زاده، ۱۳۷۹: ۴۸). در واقع شهر اسلامی عبارت است از مکانی که در آن می‌توان مسجدی برای نماز جماعت و شنیدن خطبه، حمامی برای غسل و آماده شدن برای نماز جمعه و مجموعه‌ای از گذرهای تجاری (سوق) که برای داد و ستد و مبادله اطلاعات مناسب‌اند، یافت. عناصر مقدس، مرکز شهر اسلامی را می‌ساختند که سازه‌های ثانوی اما مکمل چون بازار و دیگر تسهیلات شهری به دور آن شکل گرفت (اسلامی و مورینی، ۱۳۷۵: ۲۳).



## اسلام و پدیده شهرنشینی

منشأ پیدایش شهرها از منظر ابن خلدون (قرن ۵۹۰ ق) تنها ناشی از عوامل اقتصادی نبوده، بلکه به اعتقاد وی در تشکیل بعضی از شهرها، مذهب نقش عمده‌ای داشته است. به عنوان مثال، شهر مذهبی مکه برای خداوند و به وسیله ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) بنا شده است. به گواهی تاریخ، مذهب اسلام اساساً یک دین شهری (مدنی) است (مارشس، ۱۹۲۸: ۹۶ و ریموند، ۱۹۹۴: ۱۲۳). تمدن اسلامی صرفاً مجموعه‌ای از اعتقادات و قوانین مذهبی نبود بلکه جامعه‌ی اسلامی بود که زندگی مسلمانان را به سوی تشکیل اجتماع و جوامع شهری سازماندهی کرد و به عبارت دیگر آن‌ها را به ساختن شهر ترغیب نمود. خداوند در قرآن چندین بار بر لفظ شهر قسم می‌خورد:

قسم به این شهر مقدس (مکه)، (قرآن کریم، سوره بلد، آیه ۱)؛

قسم به این شهر (مکه)، (قرآن کریم، سوره تین، آیه ۳).

احمد اشرف در بررسی جامعه‌شناسی تاریخ شهرنشینی، آن‌جا که به شهرنشینی در ایران پس از اسلام می‌پردازد ضمن اشاره به گستردگی سریع این تمدن این چنین می‌نویسد: «شهرنشینی در دوره اسلامی از تداوم و دگرگونی فراداده‌های زندگی شهری ساسانی در اوضاع و احوال تازه امپراتوری اسلامی پدید آمد. موقع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهر هم‌چنان پابرجا ماند و به خاطر وسعت امپراتوری اسلامی و گسترش بازار، مبادلات در قرن‌های سوم و چهارم شهرنشینی رونق زیاد گرفت و سیمای شهرها دگرگون شد. در دوره اسلامی سازمان‌های مذهبی، نیز در شالوده زندگی شهری اهمیت زیادی پیدا کردند و مسجد آدینه یا مسجد جامع از اجزای اصلی نظام اجتماعی شهر شدند. در این دوره شهرها و روستاهای اطراف آن‌ها در نظام‌های منطقه‌ای به یکدیگر پیوند خوردند

و مجموعه هم‌بسته‌ای را پدید آوردند، که اساس این پیوند هم‌بستگی نامتمايز صنایع دستی و بازرگانی با فعالیت‌های کشاورزی بود» (مهدوی، ۱۳۷۵: ۶۶).

### اجزای کالبدی شهر اسلامی

براساس مقایسه شهرهای متعدد متعلق به دوره‌ها و سرزمین‌های مختلف اجزای اصلی شهر اسلامی عبارتند از:

الف) هسته اصلی شهر (شارستان): هسته مرکزی شهر «شارستان» یا «شهرستان» بوده و معمولاً بازار از کنار دروازه‌های مهم آن شروع شده و به مرکز شهر می‌رسید و شامل مراکز مذهبی، فرهنگی، تجاری که همه راه‌های اصلی به سوی آن ختم می‌شدند.

ب) مجموعه مناطق مسکونی (ربض): بیرون شارستان را «پروست» و بعدها «ربض» می‌گفتند که دسترسی به آن با شبکه‌ای پیچیده‌ای از راه‌های دسترسی ثانوی تأمین می‌شد.

ج) استحکامات شهر (کهندز): مرکز حکومت که شامل حصار و قلعه بوده «کهندز» می‌نامیدند؛ گاه درون شهر و گاهی بیرون باروی شهر بوده، محصور با دیوار یا خندق. د) مجموعه تجهیزات و فضاهای خدماتی تکمیلی: این تسهیلات در حاشیه یا خارج از شهر قرار گرفته‌اند (کیانی، ۱۳۶۵: ۲۰۹) (تصویر ۷).

### عناصر تشکیل دهنده شهر اسلامی

برای بانیان و ساکنان شهر اسلامی، شهر به منزله انعکاس ارزش‌های اسلامی است. گذشته از تمام گوناگونی‌های متأثر از عوامل طبیعی، شهر در اسلام غرق در ایمانی واحد است و در حالی که معیارها و قوانین زندگی بر آن حاکم و مسلط است، شکل مشخصی از معماری را ارائه می‌دهد. در اینجا عناصری که در تشکیل یک شهر اسلامی اعم از مسجد، بازار و محلات شهر به طور خلاصه اشاره شده است.

**مسجد:** با توجه به این که دولت اسلامی در شهر تولد می‌یابد و با توجه به این که تشکیل این دولت برای اولین بار در مسجد صورت می‌گیرد، بنابراین وجود مسجد به عنوان یکی از مشخصات اصلی شهر دوره اسلامی تبدیل می‌گردد. این امر تا آن حد اهمیت دارد که در دوران اولیه دولت اسلامی یک سکونت‌گاهی به مقامی می‌رسد که صاحب جامع و محل اصلی اجتماع مردم باشد. مسجد علاوه بر نقش مذهبی خود، نقش سیاسی و اجتماعی بسیار قوی را نیز داراست. در همین مسجد است که مسئولیت‌ها و بحران‌های دولت اسلامی با امت در میان گذاشته می‌شود و از فراز منبر همین مسجد است که حکم خلع و یا انتصاب کارگزاران دولت اسلامی خوانده می‌شود و از فراز منبر همین مسجد بود که حکم خلع خلیفه و امتناع از فرامین او نیز خوانده می‌شد و خطبه به نام امرای محلی می‌رفت. با فاصله بسیار از مفهوم «شهر-معبد»، شهر دوران اسلامی در تحول خویش رابطه‌ای تنگاتنگ با تحولات و دگرگونی ساخت‌وساز مسجد برقرار می‌کند. دگرگونی و تغییر شکل مسجد رابطه‌ای بسیار نزدیک با دگرگونی مفهوم دولت اسلامی، منطقه‌ای شدن و محلی شدن آن دارد (حییبی، ۱۳۷۵: ۴۳).

**بازار:** بازار نیز چون مسجد از اشکال بسیار ساده آغاز شده و در تحول خود به پیچیدگی فضایی و انتظام کامل دست یافته است. بازار نیز چون مسجد، محلی می‌گردد برای خودنمایی حکومت‌های محلی و منطقه‌ای چه در مقابل حکومت‌های رقیب و چه در مقابل دولت مرکزی. با فاصله‌ای دور از مفهوم «شهر-بازار» شهر دوران اسلامی در تحول خویش به دور بازارها تنیده می‌شود و در گسترش خود بازارهای جدید را ایجاد می‌کند. اگر شهر دوره اسلامی جایی است که مومنان در آن جمع هستند و بیان فضایی جهان‌بینی اسلامی است، به همان اندازه، شهر دوره اسلامی مکان تبلور کالبدی-فضایی روابط تولیدی در معنای گسترده است (همان، ۴۸).

**محلّه:** علی‌رغم آن‌که در بدو تشکیل دولت اسلامی ایجاد هر گونه قشربندی اجتماعی بر مبنای قوم، نژاد، سنت و... نفی می‌گردد. در شکل‌گیری مفهوم اجتماعی جدید، شاهد ترکیبی از سه جامعه‌ی شهری، روستایی و ایلیاتی هستیم. حضور مستقیم و ترکیبی این سه جامعه در محلّه با حضور مستقیم آنانی که در رأس هرم اجتماعی این سه جامعه جای دارند، در دولت اسلامی و حکومت محلی شدتی دوچندان می‌یابد. تقابل‌ها و تضادهای این عاملین برای کسب قدرت بیشتر در حکومت عملاً متقابل‌ها و تضادهای مملو از خشونت محلات شهری با یکدیگر بروز می‌کند. محلاتی که هر یک مسجد، بازارچه، مدرسه، آب‌انبار، قنات، حمام و... خاص خود را داشتند و حتی در مواقعی برای خود، علاوه بر دروازه‌های خاص که به بیرون شهر باز می‌شد، دروازه‌هایی نیز برای ورود به محلّه می‌داشتند (همان، ۴۹).

### عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهر اسلامی

شهر اسلامی یکی از مظاهر تمدن اسلامی است که در شکل‌گیری و استخوان‌بندی آن عوامل متعددی تأثیرگذار بوده‌اند. این عوامل را به چند دسته کلی به شرح زیر می‌توان تقسیم‌بندی نمود:

**عوامل طبیعی:** منظور از این دسته، مواردی است که در شکل‌گیری هر شهری از جمله شهرهای اسلامی می‌تواند دخیل و تأثیرگذار باشد که از آن جمله می‌توان به اقلیم، توپوگرافی منطقه، مواد و مصالح ساختمانی موجود و قابل استفاده و ... اشاره نمود.

**عوامل مصنوعی:** این عوامل، عواملی است غیر از عوامل طبیعی که خود دو دسته قابل تقسیم است؛ عوامل مؤثر در فیزیک و صورت شهر، عوامل تأثیرگذار در بنیاد و باطن شهر اسلامی (دانش، ۱۳۹۰: ۵۹۷).

**تأثیر و تحولات شهرها و معماری در گذر از دوران تاریخی به دوران اسلامی**

پس از پذیرش اسلام، اولین موضوعی که به عنوان مظهر و نشان دین اسلام مطرح شد مکان مسجد و چگونگی ساخت آن بود. مسجد اصلی‌ترین موجودیت کالبدی در قرون اولیه بعد از اسلام بود که همه شعائر اسلامی در آن ظهور می‌یافت و از الگوی اولیه مسجدالنبی در مدینه تبعیت می‌کرد. نکته قابل اهمیت در اینجا، نحوه گذار معماری ایرانی پیش از ورود اسلام به معماری پس از آن است. بناهای مربوط به پیش از اسلام که هنوز در دسترس و از لحاظ معماری بسیار با اهمیت می‌باشند مانند کاخ‌های هخامنشی، آتشکده‌ها و کاخ‌های اشکانی و ساسانی، دارای فضاهایی هم‌چون تالار ستون‌دار، گنبد، حیاط مرکزی و ایوان هستند که بعدها به نوعی در معماری دروان اسلامی به چشم می‌خورند. به عنوان مثال مساجد شبستانی اولیه هم‌چون مسجد جامع نایین و مسجد تاریخانه دامغان دارای شبستانی ستون‌دار و طاق‌های هلالی است که در معماری پیش از اسلام وجود داشته و مساجد متأخرتر مانند مسجد جامع اردستان و مسجد جامع اصفهان دارای عناصری از قبیل گنبدخانه، گنبد و ایوان می‌باشند که ریشه‌های آن در معماری پیش از اسلام دیده می‌شود (حناچی و آذرنوش، ۱۳۹۰: ۴۵۸).

در واقع با در نظر گرفتن این عناصر معماری و بررسی روند تغییرات آن در طول زمان، تأثیر و تداوم معماری پیش از اسلام در شکل‌گیری معماری پس از آن، به خوبی دیده می‌شود. فضاهای معماری که برای بررسی این که معماری دوران تاریخی در دوران اسلامی تداوم داشته است عبارتند از: تالار ستون‌دار، طاق و پوشش هلالی، گنبد و ایوان (همان، ۴۶۰).

**تالارهای ستون‌دار:** استفاده از تالارهای ستون‌دار از دیرباز در معماری ایران سابقه داشته است و به نوعی پس از اسلام نیز در طرح مساجد شبستانی و پس از آن در طرح دیگر

مساجد تداوم یافت. در واقع می‌توان گفت چون فضای اصلی اقامه نماز شبستان است که فضایی وسیع بوده و پوشش آن بر ستون‌ها استوار است، معماران توانسته‌اند تا حدی الگوی تالارهای ستون‌دار را در مساجد به کار برند. نمونه استفاده از تالار ستون‌دار قبل از اسلام در دوره هخامنشی را در پاسارگاد، کاخ آپادانای شوش و کاخ‌های تخت جمشید (آپادانا، عمارت خزانه و صد ستون) می‌توان مشاهده نمود. هم‌چنین در دوره اشکانی معبد آناهیتا کنگاور معبدی ستون‌دار است.

در دوره ساسانی نیز این فضای معماری در کاخ دامغان و قصر شیرین وجود داشته است (زمانی، ۲۵۳۵: ۳۱). پس از ورود اسلام، مساجد شبستانی ساخته شدند که مهمترین فضای آن شبستان ستون‌دار بود، مانند مسجد جامع فخر مسجد تاریخانه دامغانو مسجد جامع نائین (حناچی و آذرنوش، ۱۳۹۰: ۴۵۹).

**طاق و پوشش هلالی:** یکی از مهمترین عناصری است که شکل دهنده فضاهای معماری و از دوره‌های اولیه در ایران مورد استفاده قرار گرفته است؛ در طول زمان به نحوی تکمیل شده و پس از ورود اسلام نیز در بناها به خصوص بناهای مذهبی و مساجد دیده شده است. اولین نمونه طاق هلالی متعلق است به دوره ایلامی که در حفریات هفت تپه کشف شده است. نمونه طاق‌های هلالی را حتی می‌توان در معماری هخامنشی که بیشتر در آن از پوشش‌های تخت استفاده می‌شده است، نیز مشاهده کرد. مثلاً طاق‌های هلالی در آتشدان‌های نقش رستم. با توجه به سبک بودن و نوع انتقال نیرو در این نوع پوشش، از دوره اشکانی به بعد استفاده از آن در معماری بیشتر شد.

در کاخ هترا نیز از طاق آهنگ استفاده کرده‌اند. کوه خواجه نیز بنایی است که پوشش‌های هلالی خشت و گل آن مقدمه بر گنبدسازی در دوره اشکانی است. استفاده از نوع پوشش هلالی در دوره ساسانی فزونی یافت و به عنوان مثال می‌توان به استفاده از

طاق بیز در دروازه جنوبی تخت سلیمان و پوشش تاق آهنگ آتشکده آذرگشنسب که بر روی قوس‌های هلالی قرار گرفته بوده است و طاق هلالی کاخ فیروزآباد اشاره نمود. پس از ورود اسلام استفاده از پوشش هلالی ادامه یافت و به تدریج کامل گشت. مسجد جامع فهرج که به احتمال قوی قدیمی‌ترین مسجد یافت شده در ایران می‌باشد دارای پوشش طاق آهنگ می‌باشد.

**گنبد:** گنبد از جمله عناصری است که از دوره اشکانی برای پوشش فضا به کار رفته و در دوره ساسانی تکمیل شده است. از نمونه گنبد‌های مورد استفاده قبل از اسلام می‌توان به گنبد بنای کوه خواجه متعلق به دوره اشکانی اشاره کرد. هم‌چنین آتشکده‌ای با نام رباط سفید در دوره اشکانی دارای گنبد بوده است (پوپ، ۱۳۷۰: ۵۰). بنای بعدی که متعلق است به اوایل دوره ساسانی، کاخ یا آتشکده فیروزآباد در فارس است که دارای گنبد بوده و گوشه‌سازی آن از نوع فیلیوش بوده است (همان، ۵۶). در کاخ سروستان گنبد سازی دچار پیشرفت اساسی شده و گنبد اصلی که آجری است بر پایه سنگی قرار دارد. گوشه‌سازی از نوع فیلیوش و بین هر دو فیلیوش یک روزن با طاق هلالی قرار داشته است. گنبد سازی در دوره اسلامی به ویژه در دوران سلجوقی دچار پیشرفت فراوان شد، بعضی از گنبد‌ها مانند گنبد مسجد جامع اردستان به صورت دوپوش ساخته شدند تا هم ایستایی گنبد بیشتر شده و وزن گنبد راحت تر به پایه‌ها منتقل شود و هم از لحاظ حرارتی مانند عایق عمل کند.

این عنصر جزء جدایی‌ناپذیر معماری اسلامی گشت به طوری که استفاده از آن نیز هم اکنون ادامه دارد (حناچی و آذرنوش، ۱۳۹۰: ۴۶۶).

**حیاط مرکزی و ایوان:** دو عنصر اساسی دیگر که در اغلب بناهای دوران اسلامی وجود داشته، حیاط مرکزی و ایوان می‌باشد. حیاط مرکزی از ابتدا در بیشتر مساجد وجود

داشته است. در مورد ایوان باید گفت مساجد ساخته شده از قرن چهارم به بعد دارای ایوان بوده‌اند و یا ایوان به طرح آن اضافه شده است. این دو عنصر فضایی در معماری پیش از اسلام ایران نیز به چشم می‌خورد. به عنوان مثال کاخ آشور که از بناهای دوره اشکانی است دارای حیاط چهار ایوانی می‌باشد. پس از ورود اسلام فضای مساجد اولیه شبستانی در اطراف حیاط مرکزی شکل می‌گیرد؛ اما این مساجد فاقد ایوان می‌باشند. از دوره سلجوقی به بعد ایوان نیز وارد طرح مساجد می‌شود و این عنصر معماری ایرانی، به عنوان فضای نیمه‌باز، فضای باز را به فضای بسته متصل می‌کند (همان، ۴۶۹). با توجه به مطالب عنوان شده، می‌توان ادعا کرد حضور برخی از عناصر معماری در فضاهای معماری ایرانی تداوم بوده است

اگر چه فرهنگ شهرسازی اسلامی و معماری آن مدیون تمدن‌های پیش از اسلام (نظیر ساسانیان) است، تشخیص چگونگی انتقال خصوصیات شهرهای اسلامی از تمدن‌های قدیمی‌تر به این دوران تا حدودی دشوار است (سلخی خسرقی، ۱۳۹۰: ۷۱۸). بدیهی است که سنت‌های شهرسازی اسلامی تحت نفوذ شهرسازی قبل از اسلام شکل گرفت؛ ولی جنبه‌های گوناگون به‌ویژه علل مذهبی در ساخت شهرها دگرگونی‌هایی را به وجود آورد. این سنت‌ها به پیروی از شیوه شهرسازی‌های گذشته از یک طرف و نوآوری در ایجاد بناهای مذهبی مانند مساجد و مدارس از طرف دیگر توسعه و گسترش یافت (کیانی، ۱۳۶۵: ۲۱۱). شبکه پیچیده معابر شهری، بازارها، کوچه‌ها و تیپولوژی حیاط مرکزی هیچ‌کدام منحصر به تمدن اسلام نبوده‌اند؛ ولی در هر حال شیوه به‌کارگیری این عناصر در شهرهای اسلامی با دیگر شهرهای کهن متفاوت بوده است. شیوه شهرسازی فوق نیز متأثر از شیوه زندگی، ساختار اجتماعی و کاربری‌هایی است که تنها پس از اسلام به وجود آمده‌اند (افشار نادری، ۱۳۷۵: ۴۹). در مجموع شالوده هنر اسلامی از



نفوذ و ترکیب هنرهای ممالک مغلوب مانند ساسانیان، بیزانس و گوپنیک مصر به وجود آمده است (کیانی، ۱۳۶۵: ۲۰۵).

### دژ - شهر باستانی دربند

**مقدمه:** در این پژوهش، با انتخاب شهر دربند که آثار و بقایای بیشتری از خود برجای دارند، آغاز گشت. در ابتدا با مطالعه متون تاریخی و کتب جغرافیایی مورخان و جغرافی نویسان صدر اسلام اطلاعاتی کلی در مورد شهر دربند به دست آمد. در ادامه با بازدید و بررسی محوطه اصلی، اطلاعات میدان پایه‌ای جمع‌آوری شد. با توجه به این که شهر مورد مطالعه (دربند) در گذشته از توابع شهر باستانی صیمره و ایالت مهرگان کدک بوده است. لذا پیشینه تاریخی این شهر باستانی با منطقه صیمره به هم گره خورده است. از این رو، بخشی از مطالعات عمومی بدره را می‌بایستی از تاریخ صیمره و شهرستان فعلی دره شهر جستجو کنیم. هرچند امروزه شهرستان بدره در گذشته از توابع شهرستان دره شهر به حساب می‌آمد.

دره شهر در مرز پشتکوه و پیشکوه، در دره صیمره قرار گرفته و کوه‌های مله افتو<sup>۳</sup> در حدود ۱۰ کیلومتری شمال و شمال شرق دره شهر با ارتفاع ۱۹۵۰ متر واقع شده است. از نظر موقعیتی دره شهر در منطقه گرمسیری واقع شده و دارای تابستان گرم و طولانی و زمستان کوتاه و معتدل است و به طور معمول فصل زمستان با باد و طوفان شدید و باران‌های موسمی همراه است (لک پور، ۱۳۸۴: ۱۰ و فیضی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

بقایای شهر کهن صیمره در مجاورت شهر جدید التأسیس، که مدت مدیدی از تأسیس آن نمی‌گذرد قرار دارد. وسعت آثار باقی‌مانده شهر کهن براساس مساحی و

۱. در زبان محلی به نام گردنه آفتاب

برداشت‌های انجام شده در حدود ۱۲۰ هکتار می‌باشد. بقایای معماری مشهود در نقاط مختلف سطح شهر نشانگر آن است که در زمان حیات خود گستره‌ای بیش از این داشته، متأسفانه در اثر توسعه شهرسازی و پیشروی ساخت‌وسازهای شهر جدید، بخش‌هایی از بقایای شهر کهن در زیر تأسیسات شهر جدید قرار گرفته و یا در اثر عوامل شهری تخریب و نابود شده است (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۱).

صیمره در طول تاریخ به دلیل موقعیت جغرافیایی، طبیعی خود نقش مهمی در مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میان ایران و بین‌النهرین ایفا می‌کند. در قرون اولیه اسلامی قرارگیری صیمره در مسیر جاده‌ی خراسان، نزدیکی به مراکز شهری بین‌النهرین از یک سو و نزدیکی به خوزستان و شهر شوش از سوی دیگر ارتباطات و تعاملات فرهنگی گسترده‌ای را در این منطقه رقم زده است. بر طبق منابع نوشتاری از منطقه‌ی صیمره در چندین کتاب تاریخی آن یاد شده است. مهمترین کتاب‌ها التنبیه‌الاشراف مسعودی (مسعودی، ۱۳۴۹)، اخبار الطول دینوری (دینوری، ۱۳۶۴)، تاریخ طبری طبری (طبری، ۱۳۷۵)، تجارب‌الامم مسکویه (ابن مسکویه، ۱۳۷۵) و تاریخ کامل ابن‌اثیر (ابن‌اثیر، ۱۳۴۹) است. مورخین نام برده در خصوص صیمره عموماً پیرامون دو موضوع بحث می‌کنند: نخست روند فتح منطقه‌ی صیمره توسط ابوموسی اشعری در خلال جنگ شوشتر و دوم زلزله‌ای که در صیمره رخ داده است.

**موقعیت جغرافیایی:** بقایای شهر باستانی دربند<sup>۴</sup> در فاصله‌ی سه کیلومتری جاده‌ی آسفالته بدره به دره‌ی شهر قرار دارد. نزدیک‌ترین شهر به این محوطه‌ی شهر بدره با فاصله‌ی حدود ۷ کیلومتر و روستای فدک به فاصله‌ی ۶ کیلومتری شمال شرقی می‌باشد. وسعت آثار

<sup>۴</sup> - در زبان محلی از این شهر با عنوان «درون» یاد می‌شود.

باقی مانده شهر کهن براساس مساحی و برداشت‌های انجام شده توسط نگارنده در حدود ۵۰ تا ۶۰ می‌باشد. بقایای معماری شهر در بند در نقاط مختلف که به صورت پراکنده قرار دارند، نشانگر آن است که در زمان حیات خود گستره‌ای بیش از این داشته، متأسفانه با وجود شهری با چنین ساختارهای معماری و سیستم‌های آبرسانی، که در ادامه در مورد آن‌ها بحث می‌شود، با مرور زمان و در اثر بی‌توجهی مسئولان سازمان میراث فرهنگی استان ایلام قسمت‌هایی از این شهر باستانی از بین رفته است.

منطقه در بند به دلیل قرار گرفتن در دامنه شمالی رشته کوه مرتفع کبیر کوه همواره از منبع آب کافی برخوردار بوده است. این منطقه از ویژگی‌های توپوگرافی مناسب و پوشش گیاهی متنوع و متراکم شامل مراتع غنی و جنگل‌های انبوه بهره‌مند گردیده است که البته در کوهستانی و طبیعی و مستحکم این دره نیز از نظر امنیتی اهمیت این محدوده را نیز دوچندان نموده است. فراوانی منابع گچ طبیعی و حجم بسیار زیاد قلوه سنگ‌ها، به عنوان مهمترین مصالح ساختمانی آن زمان از مهمترین انگیزه‌های استقرار در این دره محسوب می‌گردد.

شهر باستانی در بند از طریق دروازه شمالی خود، یعنی دروازه «فراش» که در واقع مهمترین راه ارتباطی آن نیز محسوب می‌گردد، با راه باستانی صیمره (بدره کنونی) ارتباط داشته است. در کتاب راه‌ها و معابر باستانی غرب زاگرس در دوره پارت و ساسانی، تألیف حبیب‌الله محمودیان، این راه تحت عنوان مسیر شماره ۳ در معرفی راه‌های محدوده شهر باستانی صیمره بررسی و معرفی می‌گردد که شرح آن به اختصار چنین است: «این راه یکی از راه‌های مهم صیمره به سمت شمال غربی و به موازات کبیر کوه می‌باشد که به شهرهای مهم دوره ساسانی یعنی سیروان و اریوجان متصل می‌شود و در نهایت می‌توان گفت که این راه صیمره به تسفون پایتخت ساسانی است.

با توجه به این که آثار متعددی شامل محوطه‌ها، بناها، چهار طاقی‌ها و نیز دژها و قلعه‌های متعددی از دوره تاریخی در دره‌ها و پشته‌های کبیر کوه در این مسیر وجود دارد، می‌توان اظهار نمود این راه در دنیای باستان به خصوص در دوره ساسانی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. لازم به اشاره است که برخی سیاحان و جغرافی‌نویسان عرب هم به این مسیر ارتباطی و آثار موجود در آن اشاره داشته‌اند. این راه باستانی از صیمره به رود سیکان و محوطه‌های باستانی در پشته سیکان متصل می‌شود. پس از سیکان به پشته زرانگوش وصل شده و از طریق پشته‌های دیگر کبیر کوه به پشته درون (در بند) و سربند مرتبط می‌گردد و آنگاه تا پشته لارت و آبه‌ر امتداد می‌یابد.

در مسیر صیمره به بدره (آبه‌ر) آثار باستانی متعددی شامل محوطه باستانی سیکان، قلعه باستانی تسمه، محوطه تاریخی زرانگوش و هم‌چنین آثار موجود در پشته درون و سربند موجود می‌باشند (محمودیان، ۱۳۸۷: ۵۷). راه باستانی صیمره به سمت آبه‌ر (بدره) پس از گذشتن از زرانگوش، در جهت شرق به غرب از پشته زید می‌گذرد و به پشته در بند و سربند در کنار قلعه هندمینی می‌رسد (تصویر ۸۱). این راه ارتباطی پس از گذر از منطقه در بند و سربند به پشته لارت متصل می‌شود. راولینسون می‌نویسد: «به نظر من راه سیروان به لارت یکی از دشوارترین گذرگاه‌های زاگرس و جلگه سوسیان است. اما این حال عبور کالسکه از آن امکان پذیر است (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۲).

**وجه تسمیه:** در خصوص اطلاق واژه "درون" به این شهر باستانی باید گفت که "درون" یک اصطلاح کردی و لری می‌باشد که در گویش محلی منطقه به دره‌های عمیق، تنگ و باریک کوهستانی گفته می‌شود که به وسیله حصار کوهستانی از اغلب جهات احاطه می‌گردد و از طریق گذرگاه‌هایی که معمولاً صعب‌العبور می‌باشند، با بیرون از دره مرتبط می‌گردند. معنی لغوی کلمه "درون" در زبان فارسی "در بند" می‌باشد. اطلاق

لفظ «درون» بیشتر بدان جهت است که دره‌ای امن و نفوذناپذیر واقع شده و به قلعه هندیمنی هم معروف است.

متون تاریخی عصر صفویه از این محله به نام قلعه هندوبای (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۱۵۹) و هندمین (ترکمان، ۱۳۴۸: ۴۹۹) و خانم استارک از آن با نام قلعه هندیمنی یاد کرده است (استارک، ۱۳۶۴: ۱۴۸).

### پیشینه پژوهشی

در فاصله سال‌های ۱۹۲۷-۱۹۳۱ میلادی خانم فریا استارک از این منطقه دیدن کرد، وی پس از اتمام مسافرتش کتابی تحت عنوان "سفر به دیار حشاشین" در دو بخش نوشت. وی بهترین گزارش در مورد باستان‌شناسی و تاریخ بدره، که یکی از توابع شهرستان دره‌شهر بود، ارائه می‌دهد (استارک، ۱۳۶۴). در سال ۱۳۸۰ در مقاله‌ای تحت عنوان معرفی شهر باستانی دربند (درون) توسط بهرام کریمی، کارشناس ارشد تاریخ در فصلنامه فرهنگ ایلام به چاپ رسیده که به تنها به معرفی شهر دربند پرداخته است.

در سال ۱۳۸۵ خداکرم مظاهری در طی پژوهشی با موضوع جاذبه‌های گردشگری شهرستان دره‌شهر، مجموعه شهر باستانی دربند به عنوان یک جاذبه تاریخی مورد توصیف قرار گرفت. در سال ۱۳۸۵ در طی فصل سوم بررسی و شناسایی شهرستان دره‌شهر (بخش بدره) توسط سید سجاد حسینی، شهر باستانی دربند مورد بررسی و شناسایی قرار می‌گیرد.

### معماری و شهرسازی

شهر دربند منطقه‌ای بکر و ناشناخته است و تاکنون تحقیقات باستان‌شناسی روی آن به صورت دقیق و علمی صورت نگرفته است و لذا می‌توان گفت اطلاعات ما در باب

قدمت، معماری و شهرسازی آن محدود است. اطلاعات ما در این نوشتار براساس مشاهده آثار و بقایای باقی مانده از این شهر باستانی می باشد (تصویر ۸۰).

اما عوامل طبیعی (آب، خاک و هوای مساعد)، عوامل مذهبی (وجود دو مقبره شارنگی و خضر) و عوامل امنیتی و حفاظتی (قلعه‌ی صعب العبور) زمینه را برای ایجاد سکونت و رونق زندگی را در آن فراهم کرده است (کریمی، ۱۳۷۸: ۹۳). در این شهر باستانی آثار مجموعه‌ای مسکونی در قسمت جنوب شرقی دره در بند مشاهده می‌شود و تا خط‌الراس آن حدود ۱۵۰ متر فاصله دارد. آثار همواره در محل‌هایی که به صورت پلکانی ایجاد شده، ساخته شده‌اند. در نوشته‌ها نقل شده است که در این مجموعه، چهارده طاق وجود داشته که تقریباً به صورت دو ردیف هفت اتاقه ساخته شده و در حد فاصل این دو ردیف راهرو ایجاد شده که درب تمام این اتاق‌ها به این راهرو باز می‌شد (استارک، ۱۳۶۴: ۱۲۹) که البته امروزه آثار و بقایایی که در این نوشته‌ها نقل شده، از بین رفته است. در مورد جزئیات معماری بناها اطلاعاتی در دست نداریم؛ سقف بناها را با قلوه سنگ و گچ طاق زده‌اند، عرض طاق‌ها متفاوت است، قسمتی از دیوار بناها صخره‌های طبیعی است. ساختمان‌ها طرح و نقشه خاصی ندارند، عرض دیوارهای باقی مانده بین ۵۰ تا ۶۰ سانتی متر است. اکثر ساختمان‌ها دارای ایوان بوده‌اند، بین ساختمان‌ها کوچه‌هایی وجود داشته و نظر به موقعیت کوهستانی منطقه در جاهایی که آبراهه یا مسیل بوده با قلوه سنگ و گچ سیل‌بندی شده است. با وجود این که آثار بیشتر به صورت خرابه و به طور کلی تخریب شده‌اند، اما هرچه از شرق دره به طرف غرب سرازیر می‌شویم از عظمت و بزرگی ساختمان‌ها کاسته می‌شود.

در میان خرابه‌های این محوطه بقایای قلعه‌ای دیده می‌شود که به قلعه هندمینی معروف است و به طول تقریبی ۱۰۰ متر، عرض ۲۰ متر و ارتفاع حدود ۳۰ متر به عنوان پناهگاهی

با اهمیت جهت نگهداری آذوقه و انبار غله مورد استفاده قرار گرفته است. شواهد و نوشته‌های مورخان دلالت می‌کند که این قلعه دارای دروازه‌هایی بوده است که هر کدام از این دروازه‌ها را نگهبانانی محافظت می‌کرده‌اند، دروازه‌های شمالی که به دروازه «فراش» معروف می‌باشد که بزرگترین دروازه قلعه بوده است (کریمی، ۱۳۸۰: ۷۸). در واقع راه از مدخل ورودی دره از راهی به همین نام (فراش) شروع شده و به اشکفتی که به نام قلاع معروف است در شرق دره منتهی می‌شود (تصویر ۸۳). در قسمت شمال غربی دربند دروازه‌ای وجود دارد که به دروازه «آسو»<sup>۵</sup> معروف است، بین دو دروازه «ماکان» که دروازه دیگری از قلعه است و «آسو» در بلندترین نقطه قلعه، چشمه آب جوشانی وجود دارد که سراب چشمه آن به «هالیس» معروف است. در سمت راست چشمه دروازه دیگری وجود دارد که به دروازه «چوونی»<sup>۶</sup> معروف است (همان، ۷۹). گویا این دروازه بسیار صعب‌العبور بوده و احتمالاً نردبانی چوبی داشته که بدان سبب به چوونی (چوب‌بندی) معروف شده است.

در نوشته‌ها آمده است که در این شهر بیش از ۲۰ آسیاب وجود داشته است که اکنون بقایای اندکی از آن‌ها باقی مانده است. آثار بیش از ۲۰ آسیاب در این قلعه حکایت از جمعیت کثیر این قلعه را دارد، اکثر آسیاب‌ها در شرق دره دربند قرار دارند. بر طبق تحقیقات میدانی محل نام چندین آسیاب شناسایی شده است که عبارتند از: آسیاب‌های مهدی، زکریا، نوح، همایون، ذوالفقار و لفافه. که با توجه به مرور زمان بیشتر این آسیاب‌ها از بین رفته‌اند و آثار و بقایای تنها دو آسیاب مهدی و زکریا برجای مانده

۲. در کردی به معنای آسان و راحت است.

است. (تصاویر ۸۶-۸۴). با توجه به این که آثار و بقایای این شهر بیشتر در زیر خاک و غیر قابل مطالعه است، متأسفانه اطلاعات ما در بخش معماری محدود بوده است.

### سفال دربند

تاکنون بر روی سفال‌های شهر دربند به صورت دقیق و با لایه نگاری تاریخ گذاری نشده است، به همین دلیل تعیین و مشخص کردن سفال‌هایی که با اطمینان دوره بندی محوطه‌ها را مشخص می‌کند، کار ما را با مشکل مواجه می‌کند. در هنگام بازدید از شهر باستانی دربند با انتخاب نمونه‌های شاخص سفالی از سطح شهر که در دوره بندی به ما کمک می‌کند، کار بر روی مطالعه سفال‌ها آغاز شد. در بین قطعه سفال‌ها ۵۰٪ را لبه، ۱۰٪ را کف و ۴۰٪ را بدنه تشکیل می‌دهد (نمودار ۲۷). در خمیره سفال‌های به دست آمده از طیف رنگ‌های نخودی، آجری، نارنجی و قرمز به وفور استفاده شده است که از این بین ۶۵٪ را رنگ نخودی، ۱۵٪ را به رنگ آجری، ۵٪ را به رنگ نارنجی و ۱۰٪ دیگر به رنگ قرمز اختصاص داده شده است (نمودار ۲۸). تمپر سفال‌ها در بیشتر موارد شن نرم بود. برای تزئین سفال‌ها در نمونه‌های بدون لعاب از شیوه‌های تزئینات شانه‌ای، کنده و افزوده استفاده شده است که به ترتیب ۴۰٪ تزئین شانه‌ای، ۳۰٪ تزئین کننده و ۳۰٪ دیگر را تزئین افزوده اختصاص می‌دهد.

در بین سفال‌های مورد بررسی ۶۵٪ مربوط به دوره تاریخی و ۳۵٪ دیگر نیز مربوط به دوران اسلامی است. با توجه سفال‌های جمع آوری شده که از بررسی سطحی شهر دربند به دست آمده می‌توان به این نتیجه رسید که در این شهر گذر از دوران تاریخی به اسلامی نیز رخ داده است.



## نتیجه گیری

یکی از شهرهای باستانی استان ایلام که تاکنون بر روی آن مطالعات علمی صورت نگرفته است، شهر باستانی دربند بدره است. این شهر در ارتفاعات تنگه دربند از توابع شهر بدره کنونی است و با توجه به موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی که دارد، نگارنده این شهر را به عنوان دژ شهر دربند معرفی می کند. دلیل اطلاق این عنوان برای این شهر این است که علاوه بر این که به عنوان یک مرکز نظامی - دفاعی در ارتفاعات محسوب می شد، مرکزی خاص برای حضور جمعیتی قابل توجه در حد جمعیت یک شهر کوچک بوده است. هر چند شکل فضایی - کالبدی این شهرها دقیقاً مطابق با فضاهای شهری در نقاط دیگر نیست. ساختار معماری و شهرسازی این دژ شهر با توجه به شرایط توپوگرافی، منابع آب و ملاحظات دفاعی و دسترسی های مورد نظر شکل گرفته است. اما آنچه که در ایجاد دژ شهرها مورد توجه قرار می گیرد، مکان یابی مناسب و استفاده مناسب از عوارض طبیعی منطقه و هم چنین استفاده از این عوارض طبیعی برای تسهیل دفاع در شهر است (مجیدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۷). که این مورد نیز در دژ شهر دربند رعایت شده است، این دژ شهر به گونه ای است که از نظر سوق الجیشی اهمیت خاصی دارد، در عین حال که با ارتفاعات کبیرکوه متصل و مرتبط است؛ ولی در نقطه ای با کاهش ارتفاع از سایر قله های مرتفع مجزا می گردد. این توپوگرافی موجب شده است که از گذشته به عنوان یک منطقه مهم نظامی و دفاعی مورد استفاده قرار گیرد.

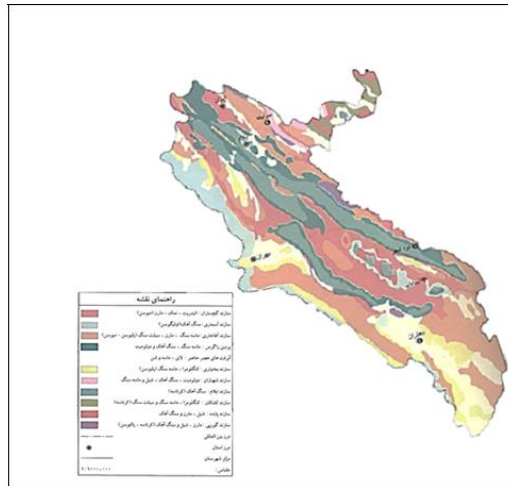
## تصاویر، نقشه‌ها، طرح‌ها، نمودارها و جدول

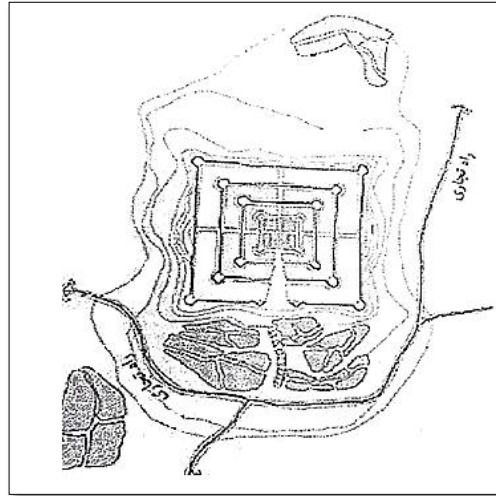
موقعیت استان ایلام در نقشه کشور ([www.ilammiras.com](http://www.ilammiras.com))



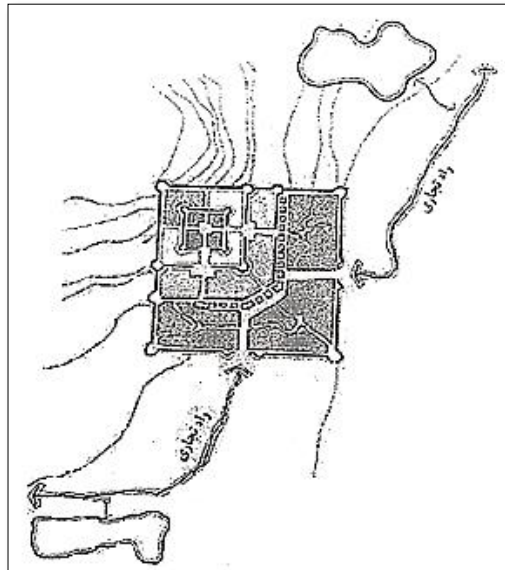
نقشه ناهمواری‌های استان ایلام

(سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶: ۱۶۴)

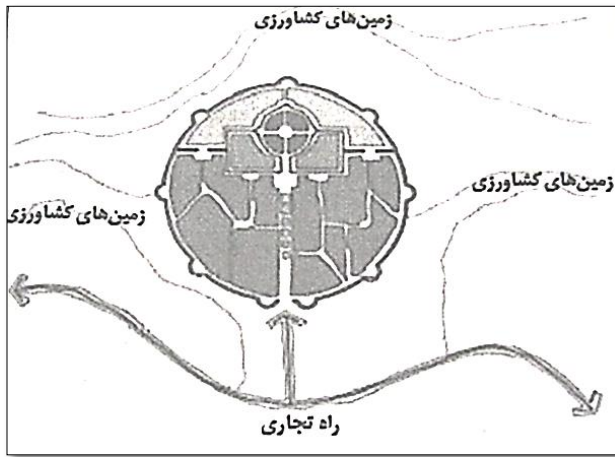




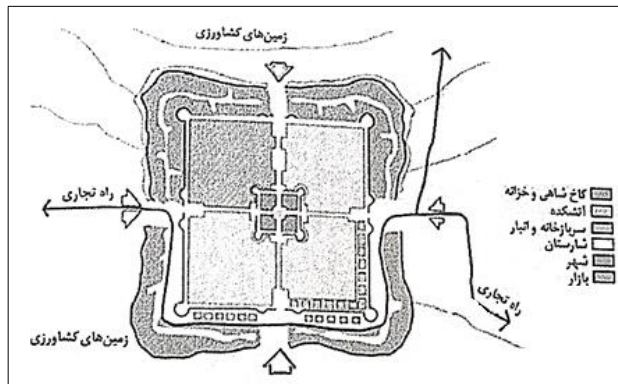
ساخت کالبدی شهر در دوران ماد (حیبی، ۱۳۷۵: ۸).



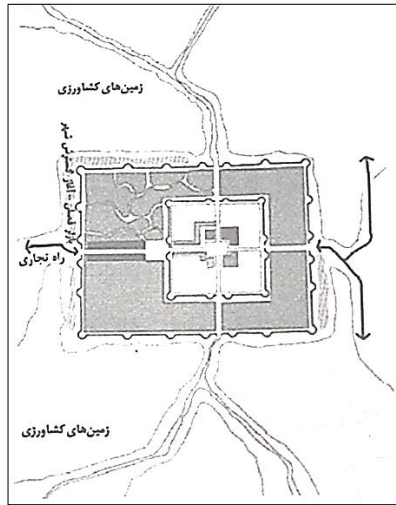
ساخت کالبدی شهر در دوران هخامنشی (همان، ۱۵).



ساخت کالبدی شهر در دوران اشکانی (همان، ۲۷).



ساخت کالبدی شهر در دوران ساسانی (حبیبی، ۱۳۷۵: ۳۵).



ساخت کالبدی شهر در قرون اولیه اسلامی (همان، ۶۷).



موقعیت شهر باستانی دربند در نقشه ماهواره‌ای (Google Earth).



دروازه‌های ورودی و راه‌های ارتباطی به شهر دربند (نگارنده)



بقایای معماری پراکنده شهر دربند (نگارنده)









روبه روی قلعه هندمینی دربند (نگارنده)





بقایای معماری پراکنده قلعه هندمینی (نگارنده)



اشکفت قلاع دربند (نگارنده)



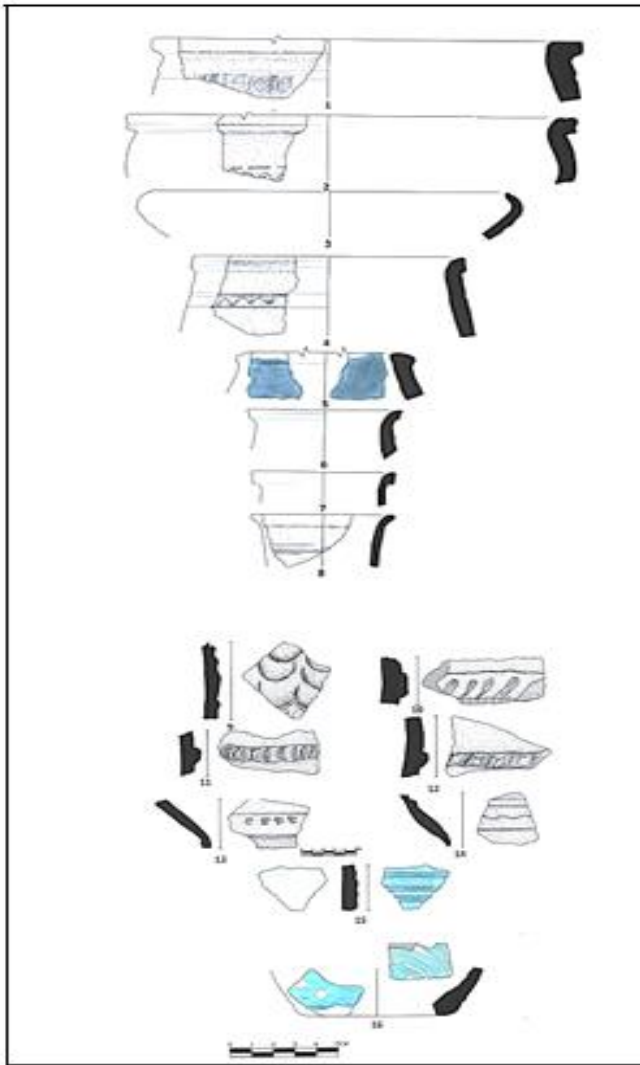
آسیاب قدیمی زکریا واقع در ضلع جنوبی دربند (نگارنده).



بقایای آسیاب مهدی در پایین دست آسیاب زکریا (نگارنده).



سفال‌های شهر دربند (نگارنده)

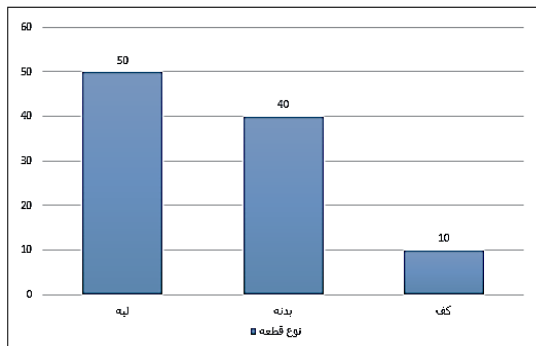


طرح سفال‌های شهر دربند (نگارنده)



شماره قطعه	نوع قطعه	قطر (CM)	شخامت (CM)	پخت	خمیره	پوشش درونی	پوشش بیرونی	ساخت	آمیزه	ترین	دوره	فایل مقایسه
Sh. D 1	لیه	۲۵	۲۵	کافی	نخودی	فرمز نازجی	نخودی	چرخساز	کافی	شله‌ای زیر لیه	ساسنی	Alden and Balcer 1978,fig6:types9-12
Sh. D 2	لیه	۲۲	۲۹	کافی	فرمز	نازجی	نخودی	چرخساز	کافی	شله‌ای زیر لیه	ساسنی	-
Sh. D 3	لیه	۱۵	۱۹	کافی	نخودی	نخودی	فرمز	چرخساز	شن نرم	-	اسلامی	غسوزده، ۱۳۸۴، طرح ۵
Sh. D 4	لیه	۱۸	۲۵	کافی	نخودی	نخودی	آجری	چرخساز	کافی	شله‌ای	ساسنی	-
Sh. D 5	لیه	۲۴	۱۶	کافی	آجری	فرمز	نخودی	چرخساز	ماسه	لهاب	اسلامی	-
Sh. D 6	لیه	۲۲	۲۲	کافی	نخودی	نخودی	نخودی	چرخساز	کافی	-	ساسنی	Azarnosh,1994,fig.18.8a
Sh. D 7	لیه	۱۵	۱۲	کافی	فرمز	فرمز نازجی	فرمز	چرخساز	کافی	-	اسلامی	غسوزده، ۱۳۸۴، طرح ۶
Sh. D 8	لیه	۱۴	۹	کافی	نخودی	نخودی	آجری	چرخساز	کافی	شله‌ای	ساسنی	Keall,1981,fig27:types1-7
Sh. D 9	بدنه	-	۸	کافی	نخودی	نخودی	نخودی	چرخساز	کافی - شن نرم	کتنده فشاری	ساسنی	Keall,1981,fig27:types1-9
Sh. D 10	بدنه	-	۱۷	کافی	نخودی	نخودی	نخودی	چرخساز	کافی - شن نرم	افزوده - اسلیم	ساسنی	Keall,1981,fig27:types1-11
Sh. D 11	بدنه	-	۱۴	ناکافی	آجری	نخودی	نخودی	چرخساز	کافی	افزوده طبیعی	ساسنی	-
Sh. D 12	بدنه	-	۱۸	کافی	نخودی	نخودی	آجری	چرخساز	کافی	افزوده طبیعی	ساسنی	Keall,1981,fig27:types18-25
Sh. D 13	بدنه	-	۲۲	کافی	نازجی	نازجی	نخودی	چرخساز	کافی	کتنده فشاری	ساسنی	-
Sh. D 14	بدنه	-	۱۳	کافی	نخودی	نخودی	نخودی	چرخساز	کافی	کتنده خطی	ساسنی	-
Sh. D 15	بدنه	-	۹	کافی	نخودی	نخودی	نازجی	چرخساز	کافی	لهاب	اسلامی	-
Sh. D 16	کف	۱۶	۱۶	کافی	نخودی	نخودی	نخودی	چرخساز	کافی	لهاب	اسلامی	Kennet,1997,fig5

جدول مشخصات سفال‌های شهر دربند (نگارنده)



درصد نوع قطعه در سفال‌های دربند (نگارنده)

## ۱. منابع

۲. ابن اثیر، ۱۳۴۹، الکامل، اخبار ایران، ترجمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳. ابن خردادبه، ۱۳۷۰، المسالک الممالک، ترجمه حسین قره‌خانلو، نشر نو، تهران.
۴. ابودلف، ۱۳۵۴، سفرنامه ابودلف در ایران در سال ۳۴۱ هجری: ولادیمیر مینورسکی، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، انتشارات زوار، تهران.
۵. استارک، فریا، ۱۳۶۴، سفرنامه الموت لرستان و ایلام، ترجمه علی محمد ساکی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
۶. اشرف، احمد، ۱۳۵۳، ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران، نامه علوم اجتماعی، دوره اول، شماره ۴، دانشکده علوم اجتماعی، تهران.
۷. اشمیت. اریک. ف، ۱۳۷۶، پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران، ترجمه آرمان شیشه‌گر، نشر سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران.
۸. افشار نادری، کامران، ۱۳۷۵، مشترکات شهرسازی جهان اسلام، مجله آبادی، شماره ۲۲، ویژه شهر اسلامی، سال ششم،
۹. افشین، یدالله، ۱۳۷۳، رودخانه‌های ایران، وزارت نیرو، تهران.
۱۰. البلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۴۶، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران.
۱۱. ایزد پناه، حمید، ۱۳۶۳، آثار باستانی و تاریخی لرستان، انتشارات آگاه، جلد اول، تهران.
۱۲. بدلیسی، شرف الدین، ۱۳۶۴، شرفنامه تاریخ مفصل کردستان، به تصحیح محمد عباسی، نشر حدیث، تهران.
۱۳. بهرامی، اکرم، ۱۳۵۶، شهرهای ساسانی (۱)، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۷۰،
۱۴. هرامی، اکرم، ۱۳۵۶، شهرهای ساسانی (۲)، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۷۱،

۱۵. هرامی، روح‌الله، ۱۳۸۱، گذر بر تاریخ چند هزار ساله ایلام، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره نهم و دهم، ایلام.
۱۶. پوپ، آرتور، ۱۳۷۰، معماری یاران، حسین صدری افشار، انتشارات فرهنگان، چاپ دوم، تهران.
۱۷. حبیبی، سید محسن، ۱۳۷۵، از شار تا شهر؛ تحلیل تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۸. حسینی، سید سجاد، ۱۳۸۵، فصل سوم گزارش بررسی و شناسایی شهرستان دره‌شهر، بخش بدره، سازمان میراث فرهنگی استان ایلام، ایلام (منتشر نشده).
۱۹. حموی، یاقوت، ۱۳۸۰، معجم البلدان، ترجمه علی نقی منزوی، جلد ۱، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پنجم، تهران.
۲۰. حناچی، پیروز و آذرنوش، منا، ۱۳۹۰، چگونگی تأثیر ویژگی‌های معماری پیش از اسلام بر شکل‌گیری معماری مذهبی پس از اسلام، مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دفتر یکم (معماری اسلامی)، تبریز.
۲۱. دمورگان، ژاک، ۱۳۳۹، جغرافیای غرب ایران، ترجمه کاظم ودیعی، انتشارات چهر، تبریز.
۲۲. دیاکونف، م. م، ۱۳۵۱، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، نشر پیام، تهران.
۲۳. دینوری، ابو حنیفه احمد بن داود، ۱۳۶۴، اخبار الطول، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران.
۲۴. راولینسون، هنری، ۱۳۶۲، سفرنامه راولینسون: گذر از زهاب به خوزستان، ترجمه سکندر امان‌اللهی، بهاروند، نشر آگاه، تهران.
۲۵. رزم‌آرا، علی، ۱۳۶۸، جغرافیای نظامی ایران (پشتکوه)، چاپخانه ارتش، تهران.
۲۶. رشید یاسمی، غلامرضا، ۱۳۷۸، گرد و پیوستگی‌های نژادی او، نشر بنیاد موقوفات ایرج افشار یزدی، تهران.
۲۷. رضایی، جعفر، ۱۳۸۵، امکان‌سنجی استقرار صنایع روستایی در استان ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان.



۲۸. زمانی، عباس، ۲۵۳۵، تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی، انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.

۲۹. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح و مدیریت اطلاعات جغرافیایی، ۱۳۸۶، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان ایلام: شهرستان مهران و دهلران، جلد دوم، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ایلام.

۳۰. سلخی خسروقی، صفا، ۱۳۹۰، تقابل الگوهای اجتماعی پایدار در غرب با اسلام شهرهای تاریخی ایران، مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دفتر دوم (شهرسازی اسلامی)، تبریز.

۳۱. طبری، محمد بن جریر طبری، ۱۳۵۳، تاریخ‌الریسل الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران.

۳۲. فیضی، مهسا، فیضی، نسیم و حیدری بابا کمال، یدالله، ۱۳۹۱، بررسی تأثیر جریان‌های فرهنگی حاکم بر شکل‌گیری نمونه سفال‌های صدر اسلام سیمره؛ نمونه موردی سفال‌های بدون لعاب، نامه باستان‌شناسی، شماره ۳، دوره دوم،

۳۳. کامبخش‌فرد، سیف‌الله، ۱۳۶۸، دره شهر، کتاب شهرهای ایران، جلد ۳، به کوشش محمد یوسف کیانی، چاپخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

۳۴. کامبخش‌فرد، سیف‌الله، ۱۳۸۹، سفال و سفالگری در ایران، از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، انتشارات ققنوس، تهران.

۳۵. کریستین سن، آرتور، ۱۳۴۵، ایران زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، امیرکبیر، چاپ اول، تهران.

۳۶. کریمی، بهرام، ۱۳۸۰، معرفی شهر باستانی درون قلعه هندمینی در شهرستان بدره، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۷ و ۸،

۳۷. کیهان، مسعود، ۱۳۷۹، جغرافیای مفصل ایران، تهران.

۳۸. کیانی، محمد یوسف، ۱۳۶۵، نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، نشر ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران.
۳۹. ....، ۱۳۶۶، معماری ایران در دوره اسلامی، ج ۲، نشر جهاد دانشگاهی، تهران.
۴۰. گیرشمن، رومن، ۱۳۵۶، بیشاپور، ترجمه علی اصغر کریمی، جلد ۲، معاونت حفظ و احیای سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۴۱. ....، ۱۳۷۰، هنر ایران در دوره پارت و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، جلد ۲، تهران.
۴۲. لسترنج، گای، ۱۳۳۷، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود ارفان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۴۳. لک‌پور، سیمین، ۱۳۸۴، دره‌شهر (بررسی تاریخی دره‌شهر بر مبنای یافته‌های باستان‌شناختی و متون تاریخی)، سومین کنگره تاریخی معماری و شهرسازی ایران، جلد ۳، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۴۴. ....، ۱۳۸۹، کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر (سیمره)، انتشارات یازینه، تهران.
۴۵. مترجم، عباس، ۱۳۷۹، گزارش بررسی و شناسایی منطقه آبدانان (بخش مرکزی و سراب باغ)، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام. (گزارش منتشر نشده).
۴۶. مجیدی، داود، گیوه‌چی، سعید و نوری کرمانی، علی، ۱۳۹۰، به کارگیری اصول پدافند غیر عامل در بنای شهر- درها در ایران باستان، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره چهارم،
۴۷. محمدی‌فرو، یعقوب، ۱۳۸۰، گزارش بررسی و شناسایی منطقه آبدانان (بخش مرکزی و سراب باغ)، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام. (گزارش منتشر نشده).
۴۸. محمودیان، حبیب‌الله، ۱۳۷۷، راه‌ها و معابر باستانی غرب زاگرس، انتشارات سبز پویش، ایلام.
۴۹. ....، ۱۳۸۷، معرفی اجمالی قلعه‌های باستانی استان ایلام، انتشارات گویش، ایلام.

۵۰. مرادی‌مقدم، مراد، ۱۳۸۵، تاریخ سیاسی و اجتماعی پشتکوه در دوران والیان فیلی، مجله مطالعات ملی، شماره ۲۵،
۵۱. مظاهری، خداکرم، ۱۳۸۶، فصل دوم بررسی و شناسایی دره سیمره، جهاد دانشگاهی دانشگاه ایلام، ایلام.
۵۲. مهدوی، شهرزاد، ۱۳۷۵، بنیان‌گذاری و طرح‌ریزی شهرهای اسلامی، مجله آبادی، شماره ۲۲، ویژه شهر اسلامی، سال ششم،
۵۳. نفی‌زاده، محمد، ۱۳۷۹، صفات شهر اسلامی در متون اسلامی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۴ و ۵،
۵۴. ورجاوند، پرویز، ۱۳۶۶، شهرسازی و شهرنشینی در ایران، به کوشش محمدیوسف کیانی، جلد چارم، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۵۵. ویلیامسون، آندرو، ۱۳۵۱، تجارت در خلیج فارس در زمان ساسانیان و قرون اول تا دوم هجری، باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۹ و ۱۰،
۵۶. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، ۱۳۷۸. تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج. ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۵۷. -Azarnoush, Massoud, ۱۹۹۴, the Sasanian Manor, House at Hajiabad, Iran, Monography di Mesopotamia III, Florance, Firenze Case Editrice letter.  
Tehran: entehsarate bonyade farhange Iran...

-Hansman.J. ۱۹۸۶. "The problems of Qumis", Journal of the Royal Asiatic Society, ۱۱۱-۱۳۹.

-Pope, Arthur Upham, ۱۹۳۸, A survey of Persian Art, Vol ۱, Achaemenid and Parthian period, Tehran, Manafzadeh group.

-Raymond, Andre. ۱۹۹۴. Islamic city , Arab city: Orientalist myths and recent views, British journal of middle eastern studies, Volume ۲۱, Issue ۱, Pp ۳-۱۸.

°Schmidt, E, F, ۱۹۳۷, " Excavation at tepe Hissar Damghan, university of Pennsylvania, Philadelphia.

VandenBerghe, L. ۱۹۷۷. Les Chahar taqs du Pusht-I Kuh, Luristan [The Chahar taqs of Pusha-I Kuh, Luristan]. Iranica Antiqua, XII: ۱۷۵-۱۹۰, planche I-VI.

## **Historical and archaeological survey of Darband city fortress- of Badreh . Dr. Mohsen Saadati.**

### **Abstract**

Studying the history of urban development and urbanization and, accordingly, the city, is important in the study of history and civilization, in most history and civilization books, all aspects of life, including culture, customs, religion, economic and technical features, political and military conditions governing the society, as well as architectural masterpieces, have been discussed. However, the most important and stable work created by man, such as his living spaces, has been given less attention. Due to the geographical and climatic conditions and proximity to Tisphon, the capital of Iran in the historical period, the west of Iran has many works and buildings. Part of these works are the areas and places of life that are left in the ridges and valleys of the Kabirkoh mountain range in the western border of Iran and between this mountain range and the Simareh River. The historical city of "Darband" located in Badreh city is one of these places of urbanization that has been studied and analyzed in this article.

**Key words:** Darband valley, Kabirkoh, Simareh, kan-E sayfi, rock architecture, Jebal.